

نگاهی به مسایل روز زنان در فاصله دو شماره

بنا به پیشنهاد بسیاری از خوانندگان از این پس سعی خواهیم داشت که نگاهی به اخبار و حوادثی که در فاصله دو شماره پیش آمده اند داشته باشیم و در حد امکان تحلیل کوتاهی از وقایع ارائه کنیم. نیمه دیگر امیدوار است که با انتشار منظم تر و بیشتر به مسایل و اخبار روز بیشتر بپردازد و جای خای آن را در صفحات نیمه دیگر پر کند.

تنظیم این شماره مسایل روز از مریم صمدی است.

۱ - کنگره اسلام وزن

در فوریه ۱۹۸۷ به مناسبت روز زن - تولد فاطمه زهرا دختر پیغمبر - کنگره اسلام وزن در تهران به مدت پنج روز برگزار شد. در مراسم گشایش کنگره که در جماران و با حضور خمینی برقرار شده بود زنان حزب الله از جمعیت‌های زیر شرکت کرده بودند:

خواهران جامعه الزهراء قم، دانشگاه الزهراء تهران، دانشگاه تهران، دانشجویان مدرسه عالی شهید مطهری، دانشجویان تربیت معلم، اعضای امور تربیتی آموزش و پرورش تهران، ستاد نماز جمعه تهران و قم، کانون توحید اصفهان، اعضای ارتش جمهوری اسلامی، اعضای کنگره اسلام وزن، دفتر تبلیغات اسلامی قم، دانشجویان طلبة گران (زنان)، اعضای واحد آموزش بسیج و ستاد پشتیبانی جبهه ها، اعضای مرکز اسناد وزارت اطلاعات و زنان سپاه پاسداران.

در این دیداریکی از زنان حزب الله راجع به حضور زنان در صحنه های مختلف

فعالیت‌های اجتماعی صحبت کرد و به خصوص به حضور زنان در حوزه های علمیه، پشتیبانی جبهه ها و استقبال زنان حزب الله از آموزش نظامی و نیز به نقش امنیتی زنان در چارچوب سپاه‌های گوناگون اشاره کرد. پس از آن کنگره به مدت پنج روز به اهمیت حجاب در حفظ هویت اسلامی زنان پرداخت و بسیاری از قدرتمندان رژیم — منجمله علی خامنه ای، رئیس جمهور و حداد عادل معاون وزارت ارشاد — در این باب صحبت کردند و سرآخر کنگره قطعنامه ای صادر کرد که نکته اصلی و مهم آن پشتیبانی زنان حزب الله ایران از حرکت اسلامی زنان ترکیه، مصر، لبنان، عراق و افغانستان مبنی بر پوشیدن حجاب بود. از پس این کنگره و قطعنامه تحریک آمیز آن برنامه های زبان عربی رادیو ایران به مردم رعایت و پوشیدن حجاب به مثابه عامل وحدت در بین زنان ملل اسلامی پرداخت و اخبار کنگره را از این دیدگاه مورد بررسی قرار داد.

حاصل نظرات رسمی و غیررسمی بیان شده در کنگره و نیز قطعنامه این بود که:

۱- حجاب اسلامی صادر باید گردد!

۲- روابط زنان مسلمان ایران با زنان سایر کشورها ایجاد باید گردد!

۳- و سرانجام: جنگ، جنگ تا پیروزی.

آنچه در این میان جلب نظر می کند ترکیب زنان شرکت کننده در کنگره است. اکنون گویا با سپری شدن دوران تب انقلاب حربه به میدان آوردن موتورسواران تابستانی به عنوان تنها منطق رژیم تهران به مذاق جمهوری اسلامی نیز چندان خوش نمی آید. از طرف دیگر و در پهنه بین المللی گویا جبهه دیگری برای نبرد حق علیه باطل بر مبنای «منافع مشترک» زنان اسلامی گشوده شده است که صدور انقلاب حجاب یکی از اصول آن است. بر این مبنای رژیم تهران در صدد به وجود آوردن یک قشر انتلیجنسیای زن حزب اللهی برآمده است و حاصل آن را نیز می توان در طلبگی زنان و به رسمیت شناختن تحصیل آنان در حوزه های علمیه دید. جمهوری اسلامی در صدد است که زنان حزب الله را به زیور «معرفت اسلامی» نیز بیاراید و در میان سایر حربه ها از حربه واکنش آنان نیز برای مجاب کردن بی حجابان ملل اسلامی استفاده کند. ما، از پس این کنگره، حرف تازه و حسابی ای از جانب این زنان روشنفکر حکومتی نشنیدیم، اما آنچه دیدیم این بود که در حوالی ماه مه پوشیدن یا نپوشیدن حجاب به مسئله سیاسی پر اهمیتی در ترکیه تبدیل شد. آن چنان که نخست وزیر ترکیه که تمایلات اسلامی واپس گرا نیز دارد از حق آزادی پوشش دفاع کرد و در مقابل رئیس جمهور ترکیه را به داشتن تمایلات ضد آزادیخواهی محکوم کرد. چرا که رئیس جمهور ترکیه شرکت خواهران حزب الله ترکیه را در کلاسهای درس با حجاب اسلامی تحریک آمیز و ضد امنیت ملی خواند.

۲ - طرح شورای ملی مقاومت درباره آزادی ها و حقوق زنان

در آوریل سال ۱۹۸۷ شورای ملی مقاومت دریکی از نشستهای خود طرحی در مورد آزادیها و حقوق زنان به تصویب رساند که «رهنمون و برنامه عمل دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران»^۱ در صورت به قدرت رسیدن شورای ملی مقاومت و در دوره انتقالی خواهد بود. با این طرح سازمان مجاهدین خلق ایران، آن چنان که از پیام مریم رجوی به مناسبت تصویب طرح برمی آید در صدد متمایز کردن اسلام خود و اسلام خمینی بر سر مسایل زنان است.^۲

زنان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در تمام انتخابات را خواهند داشت و به مناصبی مثل ریاست جمهوری و قضاوت خواهند رسید. برای فعالیتهای سیاسی و اجتماعی و سفر به اجازة شخص دیگری نیاز نخواهند داشت. حق انتخاب آزادانه لباس خود را خواهند داشت. بدون تبعیض از کلیه امکانات آموزشی استفاده خواهند کرد و حق شرکت در مسابقات ورزشی و فعالیتهای هنری خواهند داشت. تشکلهای زنان به رسمیت شناخته خواهد شد و زنان امتیازات و یژه ای در زمینه های اجتماعی و اداری و فرهنگی و آموزشی خواهند داشت تا به وضع نابرابر کنونی و ستم مضاعف خاتمه داده شود. در زمینه اشتغال وضع برابر خواهند داشت و به همراه تسهیلات و یژه زنان، آزادی کامل در گزینش همسر خواهند داشت و در زندگی خانوادگی هر نوع تحمیلی بر زنان ممنوع خواهد بود. نابرابریهای حقوقی در زمینه های شهادت و ولایت و حضانت و ارث مرتفع خواهد شد. زنان بیوه و مطلقه و فرزندان آنها تحت پوشش نظام تأمین اجتماعی قرار خواهند گرفت. زنان و مردان از حق مساوی طلاق برخوردار خواهند بود و مراجع قانونی در مورد طلاق، سرپرستی اطفال و نحوه تسویه مالی تصمیم خواهند گرفت. چند همسری ممنوع خواهد شد و در مواردی که مصلحت به خصوص در کار باشد قانون تصمیم خواهد گرفت و هر گونه بهره کشی جنسی از زن تحت هر عنوان ممنوع خواهد شد.

این طرح آن چنان که از مفاد آن برمی آید در بسیاری از زمینه های زندگی اجتماعی، سیاسی خانوادگی، شغلی و شهروندی زنان و با دیدی واقع بینانه، در صدد عقلایی و عادلانه کردن روابط حاکم بر زنان در جامعه بعد از خمینی برمی آید و امور بسیاری را بر عهده نهادهای متکی بر قانون یک جامعه متمدن می گذارد. برای دولت موقت خود برنامه ای در جهت گام برداشتن در زمینه احقاق حقوق زنان تعیین می کند و این خود نسبت به برنامه شورای ملی مقاومت ماده ۱۰ که می گوید «به اعتقاد ما شرکت اعجاب انگیز زنان

مجاهد و مبارز در مبارزه رهاییبخش ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی دوش به دوش مردان، خود واقعی ترین و عینی ترین سند تساوی حقوقی آنها با مردان کشور است» پیشرفت بزرگی است: حرکتی از «نیت خیر» به طرف احقاق حقوق. اینکه این طرح در میان مجاهدین چه بازتابی دارد و در آن پهنه نظامی گری و شور و جذبه مرید و مرادی چگونه تحلیل و جذب می شود جای سؤال است. اما حتی اگر این مسئله در میان رهبری مجاهدین نیز مورد توجه قرار گرفته باشد خود قدم بزرگی به جلو است. به خصوص اگر به یاد بیاوریم که مریم رجوی در اولین مقاله خود پس از ازدواج، در شماره ۱۱ ماهنامه شورای ملی مقاومت، شهریور ۱۳۶۴، فمینیسم را به این اعتبار که «تأکید بیش از اندازه بر پیش یا افتاده ترین حقوق زن از قبیل حق همسرگزینی و طلاق و مسافرت و امثال آن» دارد تخطئه کرده بود.

با وجود این آنچه گفتنی می ماند آن است که طرح علی رغم قدمهای مثبتی که در راه عقلایی و شهروندی کردن رابطه زن و مرد بر می دارد در جوهر خود هم چنان به ایدئولوژی اسلامی تعیین تکلیف کردن برای زن و ولی و قیم قرار دادن کسی یا کسانی برای زن وفادار می ماند؛ در مقدمه طرح گفته می شود «شورای ملی مقاومت ... در راستای تأمین کامل حقوق تمامی زنان کشور، فارغ از هر عدم تساوی و محدودیت بهره کشانه که با رد هر نوع تلقی کالایی از زن رهایی تاریخی مرد و زن ایرانی را مد نظر دارد ...». عبارت تلقی کالایی از زن و رد آن با آنکه عبارت کوچکی است، اما اکنون دیگر عبارت آشنا و در عین حال بسیار مخوفی به گوش می رسد. بسیاری از اندیشمندان متأخر اسلامی به کالا شدگی جنسیت زن در کشورهای غیر اسلامی و غربی اشاره داشته اند و آنرا سدی در مقابل رهایی واقعی زن دیده اند. بر اساس این نحوه نگرش کلیت جوامع غیر اسلامی — لاجرم زنان آن جوامع نیز — زنان را کالا می بیند و مورد بهره کشی کالایی قرار میدهند. این جلوگیری از بهره کشی و این رد تلقی کالایی می تواند ابعاد گوناگونی داشته باشد؛ از منع مصرف لوازم آرایش تا اجبار رعایت حجاب و تا سنگسار کردن زن می تواند پیش برود — جمهوری اسلامی — و قطعاً هم از سرشت نابرابر روابط زن و مرد از دید اسلامی سرچشمه بگیرد و مصلحین و حافظین اخلاق جامعه را بر زنان حاکم گرداند. این نحوه نگرش پدرسالارانه و مصلحانه در طول طرح همچنان باقی می ماند: آنجا که تعدد زوجات ممنوع می شود بلافاصله مصلح یا مصلحین اگر پای مصلحت به خصوصی در میان باشد پا در میانی خواهند کرد! همین دید ولایت مآبانه است که وقتی هر نوع بهره کشی جنسی از زن را تحت هر عنوان الغا می کند در مورد متعه سکوت می نماید و قطعاً به دلیل اصلاح اخلاق جامعه.

سخن کوتاه طرح شورای ملی مقاومت یک تناقض در خود می ماند، اگر طرح ادعای برابری نمی داشت و صرفاً طرحی بود در جهت شهروندی کردن روابط حاکم بر زن و مرد پذیرفتنی تر بود چرا که دیگر در آن نظام مرد، سرخود به محضردار طلاق مراجعه نمی کرد و نظام قانونی ای برای رتق و فتق امور موجود بود. اما ناظر کردن چنین عبارتی به کل طرح تناقض اصل برابری زن و مرد و قابل شدن به برتری مردان یا مصلحینی است که خوب و بد زنان را تشخیص می دهند و بر اساس آن عمل می کنند.

۳ - ازدواج بی نظیر بوتو

حوالی ژوئیه سال ۱۹۸۷ اعلام شد که خانم بی نظیر بوتو رهبر حزب مردم پاکستان به خواستگاری جوان مقطعه کار بلوچی که از خانواده زمیندار متنفذی است، پاسخ مثبت داده و به نامزدی ایشان درآمده است. بنا بر گزارش خبرگزاریها این پیوند یک قرارداد سنتی است که بر اساس موافقت دو خانواده صورت گرفته و عروس و داماد در دوران نامزدی و تحت نظارت خانواده ها به معاشرت و شناختن هم خواهند پرداخت.

از وقتی که خانم بوتو به پاکستان بازگشت کمتر کار ایشان در پهنه سیاست بود که سنتی بنماید؛ حزب مردم پاکستان از حزبی که رهبران انتصابی داشت به حزبی معتقد به دموکراسی و انتخابات درون حزبی تبدیل شد. حوزه های ایالات سند و بلوچستان و نیز سازمان جوانان و حقوقدانان اکنون رهبران انتخابی خود را دارند و انتخابات ایالت پنجاب نیز در راه است. خانم بوتو با جرأت قابل توجهی به تمام اشکالات حکومت ضیاء انگشت می گذارد: اقتصاد ضعیف، فساد مالی و اداری، عدم توجه به قانون، حضور خصوصی متمکنین و متنفذین، دخالت نظامیان در تصمیم گیریهای سیاسی و سرآخر بدهکاری نجومی دولت ضیاء به دول خارجی. بی نظیر بوتو قوانین دولت ضیاء را در عمل هم به سوال می کشد. می داند که قانون «ثبت احزاب سیاسی» توطئه ای علیه حزب اوست و بر این اساس از ثبت حزب خود سر باز می زند گویانکه تا انتخابات سال ۱۹۹۰ راه زیادی در پیش نیست. در محکومیت حکومت ضیاء بی نظیر بوتو به سانسور مطبوعات و خفقان موجود حمله می کند و از اعدام پدرش با محکوم کننده ترین منطقها یاد می کند و در تحکیم قدرت خود از آن سود می جوید.

با وجود همه این سنت شکنیها و شجاعتها و به جان خریدن خطرات ناشی از آن نظیر ترور و شکنجه و تبعید، خانم بوتو از گردنکشی در قبال یک سنت عقب افتاده فرهنگی سر باز می زند: شوهرش را خودش انتخاب نمی کند!

اینکه چقدر از محبوبیت خانم بوتو به عنوان یک رهبر سیاسی زن قابل اعتماد مردم حاصل پیروی از سنتهای اجتماعی جامعه مسلمان پاکستان است جای سؤال نیست. خود ذوالفقار علی بوتو نیز پیش از آنکه به سیاست به عنوان حرفه روی آورد — حدود سالهای چهل زندگیش — چند سالی را به زدودن و اصلاح تصویری پرداخت که جامعه پاکستان از او داشت: مردی که به نحو علنی ای در روابط شخصی آزاد بود. اما گویا اگر در مورد پدر می شود زندگی خصوصی را به خلوت برد و به سیاست پرداخت در مورد دختر چنین نیست و زندگی خصوصی اصولاً مفهومی ندارد و شاید از آن ابتدا هم نداشته. سلمان رشدی در کتاب «شرم» زندگی نخبگان سیاسی جامعه پاکستان را به تصویر می کشد و بخشی را به دوشیزه ارجمند هاراپا، دختر اسکندر هاراپا (به تعبیری بی نظیر بوتو و ذوالفقار علی بوتو) اختصاص می دهد: در طول این تصویر دوشیزه هاراپا *The virgin Iron pant* خوانده می شود. دختری که هرگز مثل بچه ها بازی نمی کند، به بزرگتری هرگز از پودر و ماتیک و لوازم آرایش استفاده نمی کند، تا سالهای سال پدرش موهایش را کوتاه و پسرانه نگاه می دارد، مثل پدرش به تحقیر مادرش و زنان می پردازد، به مدرسه ای با شدیدترین دیسپلین مذهبی مسیحی می رود و در فضای ضد مرد آن مدرسه بار می آید، به زودی مدرسه را ترک می کند و در میتینگها و در فضای مردانه معاشرتهای سیاسی پدرش برای خود جایی باز می کند. بی آنکه هرگز مردی بتواند به خود اجازه دهد که به وی اظهار مهر بکند و سرآخر وقتی هم که از یکی از پسرعموهای پدرش خوشش می آید آن چنان مبهوت این تمایل خود می شود که بروز آن جنبه خشونت و تحقیر و نفرت از آن پسرعمو می یابد و این چنین برای جانشینی پدر تربیت می شود. اگرچه داستان همواره داستان و حاصل تخیل سلمان رشدی می ماند، اما به قول خودش به کم و زیاد تصویری است از جامعه پاکستان.

و اکنون ازدواج همراه با خواستگاری خانم بوتو این داستان را تمام می کند و در عین حال باز این سؤال را مطرح می کند که آیا در کشورهای مسلمان و جوامع سنتی بلند پروازیهای سیاسی و اجتماعی زنان تنها با پرداختن بهای سنت گرایی اخلاقی متحقق می شود یا غیر از این هم بوده است؟

۱- نشریه دانشجویان انجمن های مسلمان، مقدمه طرح زنان، شماره ۹۰ آوریل ۱۹۸۷.

۲- همان، پیام خواهر مجاهد مریم رجوی به مناسبت تصویب طرح زنان.

کرونولوژی «نیمه دیگر»

تنظیم از: ناهید یگانه

۳۱ اردیبهشت ۶۰

در جلسه علنی مجلس، گوهر الشریعه دستغیب در مورد رعایت حقوق زنان به دادگاههای مدنی خاص تذکراتی داد و هشدار داد که «هنوز عده قابل ملاحظه ای از مردان هستند که می خواهند از قوانین انسان ساز اسلام سوء استفاده کنند و مخصوصاً با نیرنگ و خدعه و زور زنان خود را که در حقیقت شریک زندگی و مادر فرزندان آنها هستند به هوس تجدید فراش طلاق داده، رها می کنند. باید این چنین افراد مورد بازخواست قرار گیرند و حقوق حقه زنان را از آنها بگیرند». وی تقاضا کرد که چاره ای برای مشکلات ناشی از «بلای خانمان برانداز قانون جدایی از مادر» اندیشیده شود که «کودکان جنگزده بی پدر را مبتلا به درد مضاعف بی مادری نیز نکنید».

۳ خرداد ۶۰

آیت الله خمینی در دیدار با جمعی از زنان عضو جهاد دانشگاهی اصفهان گفت «... آن چیزی که در پشت جبهه از سوی عواطف از باتوان صادر می شود بیشتر و بالاتر و ارزنده تر از آن چیزی است که از مردها صادر می شود. به موجب عواطفی که باتوان دارند آنها برای جبهه ها کارهای بسیار مفید انجام داده اند و می دهند...».

۳ خرداد ۶۰

از طرف سازمان سازمان زنان نهضت آزادی ایران یک جلسه میز گرد با حضور اعظم طالقانی، علی مجتبی کرمانی، احمد صدر حاج

سید جوادی، دکتر ناصر کاتوزیان و با شرکت زنان طرفدار نهضت آزادی تشکیل شد. در این جلسه سخنرانان «به تجزیه و تحلیل نکات مثبت و منفی لایحه قصاص پرداخته و متذکر شدند که تصویب این لایحه در جامعه ای که هنوز ارزشهای اسلامی بر آن حاکم نمی باشد باعث بروز عکس العملهای منفی و نامساعد در میان مردم مسلمان خواهد گردید».

۱۲ خرداد ۶۰

اعظم طالقانی نماینده مجلس و دبیر جامعه زنان انقلاب اسلامی نامه ای خطاب به دادستان کل کشور نوشت و از جلوگیری از سخنرانی وی در جامعه زنان شهرستان قروه و جلوگیری از حضور وی در جلسه بحث لایحه قصاص شکایت کرد. وی در رابطه با لایحه قصاص گفت «در باره خانمها در این لایحه توهین شده است و خانمها اشکالاتی در آن می بینند».

۲۱ خرداد ۶۰

جمعیت زنان ایران در نامه ای به اعضای شورای عالی قضایی اعتراض کردند که «در لایحه قصاص زن نیم انسان فرض شده است».

۳۰ خرداد ۶۰

تظاهرات مسالمت آمیز هزاران نفر از مخالفین دولت اسلامی که توسط سازمان مجاهدین خلق برگزار شد توسط پاسداران و گروههای حزب الله به خون کشیده شد و صدها زن و مرد کشته، زخمی، و دستگیر شدند. این واقعه پایان دوران آزادی های نسبی سیاسی پس از انقلاب، و آغاز دوران اختناق و سرکوب سیاسی در جمهوری اسلامی به شمار می رود. صدها زن و دختر جوان به جرم شرکت در این تظاهرات اعدام شدند و حبس بدون محاکمه، محاکمه های غیرقانونی، شکنجه و اعدام زنان به صورت امر متداولی در جمهوری اسلامی درآمد.

۱۳ تیر ۶۰

انتشار مجله راه زن (اطلاعات بانوان سابق) متوقف شد. مدیر این مجله، زهرا رهنورد در سرمقاله آخرین شماره اش اعتراض شدیدی به تعطیل مجله کرد و آنرا امری «ضد زن» خواند.

۲۶ تیر ۶۰

عده ای از زنان ایرانی در برلین غربی گروهی به نام «زنان آزادیخواه در برلین غربی» تشکیل داده، منشور آن را انتشار دادند. در این منشور آمده است که این گروه مستقل بوده، «به هیچ گروه یا حزب یا سازمانی وابستگی ندارد».

۶۰ مرداد

«گروه همبستگی زنان ایرانی» در لندن کار خود را با برگزاری کنفرانس یک روزه ای دربارهٔ موقعیت زنان ایرانی شروع کرد. این گروه نیز اعلام استقلال از گروههای سیاسی کرد.

۳ مرداد ۶۰

۱۷ زوج زندانی در زندان قصر به عقد یکدیگر درآمدند. پس از جاری شدن صیغه عقد توسط حاکم شرع دادگاههای ویژه مبارزه با مواد مخدر، هدایایی که «توسط امام قبلاً لمس شده بودند» بین آنان تقسیم شد.

۵ مرداد ۶۰

پس از برکناری بنی صدر از ریاست جمهوری و فرار وی از ایران دو تن از مشاوران بنی صدر که دستگیر شدند در یک مصاحبه تلویزیونی اعتراف کردند که «تنها چیزی که در دفتر بنی صدر رعایت نمی شد ضوابط اسلام بود و اعضای دفتر بنی صدر غالباً با زنان مراجعه کننده دست می دادند و در بعضی موارد انجام عمل لواط و زنا توسط بعضی از افراد این دفتر دیده می شد».

۵ مرداد ۶۰

محمد فرخ روزمدیر کل آموزش و پرورش استان فارس خواستار شد از ادامه کار «خانم هایی که در مدارس و ادارات آموزش و پرورش رعایت شئون اسلامی و حجاب را نمی کنند» جلوگیری شده، به وضع آنها رسیدگی شود.

۶ مرداد ۶۰

وزارت کار و امور اجتماعی با صدور اعلامیه ای اعلام کرد «به منظور اجرای دقیق احکام مقدس اسلام ضروری است آن عده معدود از خواهران کارگر و کارمند که به هر دلیل و عنوان تا کنون موفق به رعایت حجاب اسلامی نشده اند هرچه زودتر در این زمینه اقدام کنند».

۱۹ مرداد ۶۰ روزنامه انقلاب اسلامی در هجرت مقاله ای تحت عنوان «زن در اسارت خمینی» به چاپ رسانید و در آن گزارش داد که در آمل «حاکم شرع به دختر مجاهدی به نام مریم توسلی تجاوز نموده که بر اثر افشاگری مردم انقلابی آمل جرات ماندن در شهر را نداشته و می گریزد».

۲۲ مرداد ۶۰ خانم طریق الاسلام بعنوان زن نمونه ایرانی معرفی شد. وی فرزند خود را به عنوان «منافق» طرد کرد و باعث دستگیری وی توسط پاسداران شد. وی با امام دیدار کرد و در این ملاقات امام خطاب به وی گفت «این کاری که تو کردی نمونه شدی در اسلام و این کار را همه مردم باید بکنند».

۲۵ مرداد ۶۰ چندین پارک بزرگ تهران به دلیل عدم رعایت شئون اسلامی از سوی دایره مبارزه با منکرات تعطیل شدند.

۱۲ شهریور ۶۰ مسعود رجوی مسئول شورای ملی مقاومت پیامی به رئیس مرکز حقوق بشر سازمان ملل فرستاد که در آن مدارک مفصلی در مورد تبعیض دولت جمهوری اسلامی بر علیه حقوق زنان و شکنجه و اعدام زنان ارائه کرد.

۱۵ شهریور ۶۰ مریم بهروزی نماینده مجلس در مصاحبه ای نقطه نظرات خود را در رابطه با مسائل زنان مطرح کرد. در رابطه با لایحه قصاص خانم بهروزی گفت «لایحه قصاص کاملاً منطبق با کتاب قصاص اسلامی است و مخالفین آن به قوانین اسلامی ایراد می گیرند».

۱۷ شهریور ۶۰ از سوی فرماندار شیراز اطلاعیه ای صادر شد که از سوار شدن زنهای بی حجاب به هواپیما جلوگیری شود.

۲۳ شهریور ۶۰ اعظم طالبقانی، نماینده مجلس، در مصاحبه ای گفت «مبارزه مسلحانه علیه نظام جمهوری اسلامی خدمت به ضد انقلاب است»

و خاطر نشان شد که «آن حقوقی که باید نظام در حداقل برای زنان پیاده بکند هنوز یک مقدار خیلی زیادی مانده و زن به طور کامل و جامع به حقوقش نرسیده است».

۲۵ شهریور ۶۰

طبق دستور واصله از تهران رؤسای هواپیمائی ملی ایران در آلمان، فرانسه و انگلیس اقدام به اسلامی کردن پوشش زنان کارمند کردند. در آلمان، زنان ایرانی کارمند «هما» به دادگاه مراجعه کرده، موفق به اخذ حکم محکومیت ریاست آن شدند. در فرانسه نیز زنان کارمند زیر بار پوشش اسلامی نرفتند. در انگلستان زنان کارمند حاضر به سر کردن روسری به حد اعتدال شدند و در یونان زنان کارمند از سر کردن روسری سر پیچیدن ولی حاضر به پوشیدن جوراب کلفت شدند.

۲۶ شهریور ۶۰

در کنفرانس بین المجالس در کوبا، خانم دستغیب که به عنوان نماینده زنان در جمهوری اسلامی شرکت کرد گفت «من نماینده میلیونها زن ایرانی هستم». خبرنگار اطلاعات گزارش داد که «حضور یک زن ایرانی با پوشش اسلامی در کنفرانس شگفتی دیگر نمایندگان را برانگیخته بود».

۳۰ شهریور ۶۰

وزارت صنایع با صدور اعلامیه ای ورود کلیه مواد اولیه لوازم آرایش را ممنوع اعلام کرد.

۵ مهر ۶۰

ورود و خروج زنان بدون پوشش اسلامی از فرودگاههای کشور ممنوع شد.

۱۰ مهر ۶۰

شورای ملی مقاومت برنامه «دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران» را انتشار داد. در این برنامه «تساوی حقوق سیاسی و اجتماعی کلیه افراد ملت ایران» وعده داده شد و «همه امتیازات جنسی، قومی و عقیدتی» ملغی شناخته شد. «بدین ترتیب از نظر سیاسی و اجتماعی، نه زن و نه مرد، نه قومیت و نه عقیده و مذهب هیچ یک به خودی خود و بدون پشتوانه آراء عمومی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بر دیگری ترجیح قانونی ندارد».

اتحاد ملی زنان اطلاعاتیه ای انتشار داد و در آن از تشکیل شورای ملی مقاومت در پاریس پشتیبانی کرد. در این اطلاعاتیه انتقاداتی نیز در رابطه با حقوق دمکراتیک، خود مختاری، شوراها، تأمین رفاه زحمتکشان، عنوان جمهوری اسلامی، و حقوق زنان شد و اشاره شد که موکول کردن برابری حقوق زنان و مردان به آینده ای نامعلوم را «پاسخگوی خواستهای واقعی زنان زحمتکش و تحت ستم ایران نمی دانیم».

در کنفرانس آسیایی جمعیت و توسعه در پکن، مریم بهروزی نماینده جمهوری اسلامی در مخالفت با نماینده چین که خواستار کنترل زاد و ولد بود گفت «بنا بر ارزشهای اسلامی کنترل مصنوعی توالد نادرست به حساب می آید و به نقش مادران ارج نهاده می شود در ایران مردان و زنان از حقوق مساوی برخوردار هستند. مهد کودک و کودکستان بچه های ماشینی درست می کنند که بعداً حیات میلیونها انسان را به خطر می اندازند و تنها منافع اقتصادی خود را در نظر می گیرند.» وی هم چنین سقط جنین را شدیداً محکوم کرد.

پیش نویس طرح جدید آموزش مامایی تقدیم مجلس شد. یکی از اهداف این طرح «انجام کلیه امور زایمان زنان مسلمان ایرانی به دست متخصصین زن است که فعلاً توسط پزشکان مرد صورت می گیرد». در این لایحه آمده است که در حال حاضر برای بیش از ۸ میلیون زن در سن بارداری تنها ۷۰۱ متخصص زنان و زایمان وجود دارد که ۵۴۰ نفر از آنان در تهران فعالیت می کنند. «ایجاد زایشگاههای بسیار و فراهم کردن تسهیلات لازم جهت زایمان در منزل و ایجاد مراکز آموزش مامایی از اهداف مهم طرح جدید آموزش مامایی است. در این صورت احتیاج به تربیت ۲۰ هزار مامای متخصص خواهد بود.»

اعظم طالقانی در جلسه علنی مجلس مطالبی در مورد حقوق خانواده

اظهار کرد و خاطر نشان شد که مشکلات خانواده یا زن را از دو طریق می توان حل کرد. «تصویب قوانینی که تا حدودی جلوی ظلم و مشکلات ناشی از آنرا بگیرد و از طریق آگاهی دادن ... موازین اسلامی به وسیله رسانه های گروهی ... در این رابطه دادگاههای مدنی خاص اگر در سراسر کشور هماهنگ عمل نمایند بسیاری از مشکلات حل خواهد شد.» وی اظهار کرد که «خانمهایی که در خارج از خانه کار می کنند و فرزند دارند اگر نیمه وقت کار کنند به نفع نسل آینده است».

۱۳ آبان ۶۰

روابط عمومی دادگاه مبارزه با منکرات طی اطلاعیه ای به فروشندگان لباسهای زیر زنانه برای آخرین بار اخطار کرد که «از چیدن این لباسها در پشت ویتترین مغازه ها به وضع زننده قلبی و خلاف موازین شرعی» خودداری کنند.

۱۳ آبان ۶۰

حجت الاسلام عرفانی رئیس شعبه ۵ دادگاه مدنی خاص در مصاحبه ای در مورد دادگاههای مدنی خاص توضیح داد که در حال حاضر این دادگاه بیش از ۸۰ شعبه در سراسر ایران دارند و هریک از آنها یک رئیس، یک حقوقدان و یک منشی دارد. وی گفت «در حال حاضر ما روزانه به چهار پرونده در این شعبه رسیدگی می کنیم».

۶ آذر ۶۰

دفتر مجاهدین خلق در پاریس اعلامیه ای انتشار داد و در آن وضعیت فجیع زنان زندانی مجاهد و تعداد اعدام های چند ماه گذشته را به اطلاع عموم رسانید. در این اعلامیه به طور خاص به شکنجه و اعدام زنان حامله اعتراض شد.

۹ آذر ۶۰

روابط عمومی دادگاه مبارزه با منکرات اطلاعیه ای خطاب به شرکتهای خصوصی در مورد رعایت حجاب اسلامی و مشخصات لباس زنان کارمند صادر کرد و در آن مشخصات لباس زنان کارمند را تشریح کرد. شرکتهای خصوصی موظف شدند که «از ورود مشتریانی که رعایت موازین اسلامی را نمایند» جلوگیری کنند.

۱۰ آذر ۶۰

روابط عمومی دادگاه مبارزه با منکرات در اطلاعیه ای به پرستارانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی کنند برای آخرین بار اخطار کرد که «دست از این اعمال وقیحانه بردارند».

۱۰ آذر ۶۰

زهرا رهنورد، سردبیر مجله متوقف شده راه زینب و همسر نخست وزیر میر حسین موسوی در مورد تشکیل «جبهه متحد اسلامی و ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی زنان» توضیحاتی داد و اهداف آنرا «یاری رساندن و شرکت خواهران متعهد و انقلابی مسلمان میهن خودمان به عنوان تشکل اولیه و نیز شرکت آن دسته از زنان انقلابی نهضتهایی که در ایران هستند، مثل زنان نهضتهای مربوط به کشور عراق، افغانستان، عربستان و بحرین» خواند.

۲۲ آذر ۶۰

معاون امور بین الملل وزارت ارشاد اسلامی اعلام کرد که ورود مجلات مد به ایران ممنوع است زیرا این مجلات موجب گسترش فرهنگ غربی می شوند.

۱۰ دی ۶۰

کمیسیون امور قضایی طرح قانون واگذاری حق حضانت فرزندان صغیر یا مهجور به مادران آنها را تصویب کرد.

دی ۶۰

سازمان دمکراتیک زنان ایرانی وابسته به حزب توده در برنامه خود تأکید کرد که «انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی و اسلامی ایران» تغییر مهمی در موقعیت زنان ایرانی ایجاد کرده است و برخورد صحیح با حاکمیت فعلی «انتقاد سازنده» از قوانین مورد وضع در مورد زنان را ایجاب می کند.

۱۱ دی ۶۰

جامعه ایرانی دفاع از حقوق بشر اعلامیه ای داد که در آن عدم رعایت برابری زن و مرد در برابر قانون را در جمهوری اسلامی محکوم کرد.

۱۷ دی ۶۰

سازمانهای مختلف سلطنت طلب در خارج از کشور روز ۱۷ دی را به مناسبت روز آزادی زن به زنان ایرانی تبریک گفته، مقالاتی در تجلیل از مقام زن در دوران سلطنت سلسله پهلوی منتشر کردند.

۲۰ دی ۶۰

اعضای شاخه خواهران حزب جمهوری اسلامی با حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی دیدار کردند. رفسنجانی خطاب به زنان گفت «نباید بگذاریم که خانمها در خانه احساس بطالت بکنند بلکه بهتر است خانمها در خانه و یا در جامعه در اوقات بیکاری از استعدادهای خود به نفع پیشبرد جامعه استفاده کنند». وی اضافه کرد: «صحیح ترین میدان برای شرکت زنان در مسائل اجتماعی میدان تربیت و تعلیم است که در این عرصه زنان بسیاری درخشیدند.»

۲۵ دی ۶۰

دفتر سازمان مجاهدین خلق در پاریس گزارشهای مکرری از تجاوز پامداران و شکنجه گران جمهوری اسلامی به زنان زندانی انتشار داد. طبق گفته مجاهدین «مطابق فتوای خمینی زنان و دختران دستگیر شده و زندانی در ردیف غنائم جنگی به صورت کنیزان پیروان خمینی درمی آیند و همه ی شکنجه گران می توانند به آنها تجاوز کنند. حتی قبل از اعدام نیز به بسیاری از زنان تجاوز شده است.» مجاهدین از دبیر کل ملل متحد، سازمان عقوبین الملل، سازمان صلیب سرخ و سازمانهای بشر دوست دیگر خواستار رسیدگی به وضع زنان زندانی شد.

۱ بهمن ۶۰

نمایندگان مجلس جلسه ای برای صحبت با موکلین خود تشکیل دادند. به نوشته روزنامه اطلاعات، مریم بهروزی «در طول مدت مکالمه با انبوه سؤالات خانوادگی روبرو شده بود، مثلاً اینکه چرا حضانت فرزند باید بر عهده پدر باشد، یا اینکه چرا دادگاههای مدنی خاص حقوق زنان را رعایت نمی کنند، و اینکه چرا آزادی را از مردم سلب کرده اند.» خانم بهروزی در جواب این سؤالات خاطر نشان شد «همینقدر که شما در کمال آزادی صحبت می کنید دلیل آزادی است ولی کسانی که بخواهند لطمه به جمهوری اسلامی بزنند، نه تنها جمهوری اسلامی، بلکه هیچ کشوری چنین اجازه ای نمی دهد.»

۷ بهمن ۶۰

حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق (اکثریت) از پیش

نویس قانون کار جدید پشتیبانی کرده، یادآور شدند که «هر چند تا کنون در بسیاری موارد، زنان عملاً با برخوردهای شدید قشری و تبعیض آمیز مواجه بوده اند، اما قانون کار جدید باید شرایط کار زنان را بر مبنای حقوق مساوی با مردان و نیز اعطای حقوق ویژه به آنها تنظیم کند.»

۱۰ بهمن ۶۰

طبق دستور مجدد دادستان انقلاب کرج پست اسکی دیزین با رعایت موازین اسلامی زنانه و مردانه می شود.

۱۴ بهمن ۶۰

در جلسه علنی مجلس، مریم بهروزی نماینده تهران اظهار داشت «با وجود اینکه شعار درباره شخصیت و حقوق زنان بسیار است ولی عملاً مشاهده می شود که در بعضی موارد حقوق حقه زنان پایمال تمایلات نابجا و نیمه اسلامی می شود و هم به عناوین مختلف آنها را از صحنه خارج می کنند». وی خطاب به زنان گفت «امروز شما باید شتم سیاسی داشته باشید، در مسائل حقوقی و قانونی صاحب نظر باشید و با بینش اسلامی بکوشید تا جوی را که برای بیرون راندن شما از صحنه ایجاد کرده اند خنثی کنید و عمل یک عده از خدا بی خبر را که هرجا به نفعشان باشد اسلامی خیالی را ملاک قرار می دهند و هرجا به ضرر نفسانی آنها تمام بشود از اسلام فرار می کنند شما را ناامید نکند. احکام و آیات و احادیث و قوانین اسلامی همه عادلانه است و بنا به فرموده امام حقوق زنان از مردان بیشتر است».

۱۴ بهمن ۶۰

در جلسه علنی مجلس، آقای معادیخواه وزیر ارشاد اسلامی اظهار داشت «در برخورد با مسئله حجاب، سمینار گذاشتن و سؤال و جواب کافی نیست. باید تمام ارگانها دست به دست هم فرهنگ مملکت را متحول کنند، روابط باید مشخص شود. من از مجلس تقاضا می کنم مسئله سیستم در جمهوری اسلامی را جدی بگیرند. ما به یک مرجع عالی در این مورد احتیاج داریم».

۲۴ بهمن ۶۰

در برلین غربی، گروه‌های مختلفی از زنان ایرانی به گرد هم آمده، دست به تشکیل «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور» زدند. این جنبش مستقل، ضد امپریالیستی و دموکراتیک اعلام شد.

۳۰ بهمن ۶۰

«جناح پیشرو جبهه ملی ایران» در ارگان خود پیشرویورش به حقوق زنان در ایران را محکوم کرده، از زنان خواست تا «با بسیج تمامی نیروی خود در برابر این تجاوز وحشتناک مقاومت کنند».

۳ اسفند ۶۰

حزب توده ایران به پیشواز روز جهانی زن هشتم مارس رفته، مقاله‌ای در پشتیبانی از دفاعیات زنان نماینده مجلس شورای اسلامی از حقوق زن انتشار داد. این مقاله خاطر نشان کرد که «اسلام دین عدالت است. جمهوری اسلامی باید عدالت را، از جمله با به رسمیت شناختن حقوق زن و مرد در خانواده و در جامعه، برقرار کند». مقاله سپس به انتقاداتی از موقعیت زنان در جمهوری اسلامی پرداخت.

۱۷ اسفند ۶۰

گروه‌های مختلف زنان ایرانی در خارج از کشور روز جهانی زن را جشن گرفتند. سازمان‌های مارکسیست - لنینیستی و سازمان مجاهدین خلق ایران روز جهانی زن را به زنان ایرانی تبریک گفته، مقالاتی درباره موقعیت زنان در ایران در ارگان‌های خود به چاپ رسانیدند.

۱۷ اسفند ۶۰

روزنامه «زن در مبارزه» به زبان انگلیسی در آمریکا انتشار یافت.

اسفند ۶۰

موج جدیدی از تظاهرات «ضد بی حجابی» تهران را فرا گرفت. طبق گزارش‌های مختلف زنان کم حجاب از طریق قانونی تحت تعقیب قرار گرفته، بر دیوارهای خیابان جملاتی نظیر «زنان بی حجاب هرزه اند» و «مرگ بر زنان بی حجاب» دیده می شد.

طبق گفته نشریه مجاهد «از زنان اراذل و اوباش و طبقه لومپنها خراسته می شود که خود را در چادرهای سیاه پیچیده و به زنان دیگر حمله کنند و مزاحم آنها شوند و همینطور از آنها برای بازرسی بدنی در کارخانجات، شرکتها، ادارت و فروشگاهها استفاه می شود ... پاسداران و افراد کمیته به سینماها، رستورانها، ساختمانهای عمومی و حتی خصوصی هجوم می آورند و حدود ارتباط خانوادگی را کنترل می کنند».

۲۶ فروردین ۶۱

راه پیمایی و گرد هم آییهای متعددی در تهران به مناسبت تولد حضرت فاطمه زهرا و تولد آیت الله خمینی و روز زن برگزار گردید. در تهران، مریم بهروزی درباره نقش زنان در پیشبرد انقلاب اسلامی سخنرانی کرد و به زنان امید داد که «در آینده قدم های بیشتری برای احقاق حقوق زن برداشته خواهد شد». در زندان اوین «جمععی از خواهران نادم و ثواب زندان اوین و دانش آموزان دبیرستانهای مختلف» در مراسم روز زن شرکت کرده، پس از اجرای نمایشنامه ای «تو این مقاله ای در افشای خط انحرافی سازمان منافقین قرائت کردند.» آیت الله خمینی پیامی به مناسبت روز زن فرستاد و در آن از زنانی که در راه پیروزی جنگ فداکاری کرده اند تشکر کرد. وی به همسران شهدا نصیحت کرد که «از ازدواج، این سنت الهی سرباز نزنند و به وسوسه بعضی اشخاص بی توجه به صلاحها و فسادها گوش ندهند و نیز به پاسداران و سربازان و جوانان عزیز تذکر می دهم که ازدواج با این بانوان را غنیمت بشمرند». سمینار چهار روزه ای نیز تحت عنوان «زن از دیدگاه اسلام» تشکیل شد که در آن عده ای از شخصیتهای سیاسی و مذهبی و «خواهران طلاب حوزه علمیه، جهاد دانشگاه، بانوان شهید داده و مبارز اسلامی» شرکت داشتند.

۱۰ اردیبهشت ۶۱

خلیفه اعظم ارامنه جنوب از زنان مسیحی خواست حجاب و شئون جمهوری اسلامی را رعایت کنند و «در ادارات و مؤسسات و اماکن عمومی در وضع ظاهری و لباس خود شدیداً محتاط و خوددار

بوده، رعایت روسری را کرده، از استعمال زیورآلات و آرایش دوری و اجتناب نمایند». در این اعلامیه هم چنین تأیید شد که «این خلیفه گری به مناسبت‌های بسیار اکیداً فروش مشروبات الکلی را محکوم و ممنوع کرده است».

۵ اردیبهشت ۶۱

موسوی اردبیلی رئیس دیوانعالی کشور در رابطه با حجاب زنان گفت «اینکه این زنان را مجبور کنیم به اینکه حتماً حجابی داشته باشند یا نداشته باشند، شاید از نظر موضع‌گیری‌های روانی و امثال اینها حسن اثری نداشته باشد... اما باید عفت عمومی را مراعات کرد. خیابان و بازار و مجالس عمومی را نباید به یک مرکز فحشاء یا تهییج و امثال آن تبدیل کرد».

۵ اردیبهشت ۶۱

بنیاد شهید اعلام کرد «در پی فرمان امام اُمت، به مناسبت روز زن در خصوص تشویق خواهران عزیز و متعهد به ازدواج با جانبازان «دفتر ازدواج» از جانب بنیاد شهید تشکیل شد.

۱۶ اردیبهشت ۶۱

تعدادی زن با حجاب در خیابانهای تهران بر ضد «بی حجابی و ترویج فساد» راه پیمایی کرده، قطعنامه ای که در آن تأکید بر وظیفه امر به معروف و نهی از منکر در مورد مسئله حجاب شده بود قرائت کردند.

۱۷ اردیبهشت ۶۱

دسته های پراکنده ای از مردان حزب الهی و موتور سوار به زنان بی حجاب در خیابانها حمله ور شدند و بر کف خیابانها و دیوارها شعارهای ضد بی حجابی نوشتند. در این حمله مردانی که پیراهن آستین کوتاه و یا کراوات بر تن داشتند نیز هدف قرار گرفتند.

۵ خرداد ۶۱

دکتر عباسپور قائم مقام دبیر کل سازمان امور اداری و استخدامی کشور در مورد قانون جدید استخدام توضیحاتی ارائه کرد. وی گفت «در کلیه این طرحها پیش بینی شده است تا همسر یک کارمند در صورت علاقه و یا توجه به اهمیتی که جامعه امروزی ما به

مسئله خانواده و تربیت فرزندان دارد بتواند به امر خانه داری و تربیت فرزندان بپردازد. البته این امر موجب نخواهد شد که بانوان از فعالیتهای اجتماعی دورنگهداشته شوند و جنبه اختیاری خواهد داشت. ضمناً در لایحه معضلی پیش بینی شده است تا بانوان کارمند بتوانند در صورت تمایل به طور نیمه وقت در سازمانهای دولتی خدمت کنند».

۹ خرداد ۶۱

بیش از ۴۰۰ نفر از دانشجویان زن مکاتب علمی قم با آیت الله منتظری ملاقات کردند. وی خطاب به این زنان گفت «تا به حال مدارس علمیه و امکانات آموزشی بیشتر به مردها اختصاص داشت و ضرورت تأسیس و گسترش حوزه های علمیه در شهرهای مختلف برای جذب و آموزش خواهران وجود دارد».

۱۳ خرداد ۶۱

هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه اشاره کرد که اشخاص نباید قانون را به دست خود بگیرند و به زنان بی حجاب حمله کنند». برخورد با بی حجابها باید برخوردی اخلاقی و ارشادی باشد بلکه انشاءالله هدایت شوند و اگر با ارشاد و هدایت مسئله بی حجابها حل نشد، آنگاه از طریق گذراندن قانونی از مجلس با آنان قانونی و قاطع برخورد خواهد شد».

۱۴ خرداد ۶۱

سازمان «اتحاد ملی زنان» طی اعلامیه ای نمونه هایی از آزارهای جسمی و روانی وارد بر زنان در داخل و خارج زندانهای رژیم توسط پاسداران را انتشار داد و از سازمانهای بین المللی حقوق بشر و مردم آزادیخواه جهان درخواست کمک کرد. نمونه های مورد اشاره شامل زدن و مجروح کردن، لخت کردن و سایر آزارهای جنسی نظیر تجاوز دسته جمعی، ازاله بکارت و اعدام زنان جامعه بود.

۲۱ تیر ۶۱

لایحه قصاص در مجلس مطرح شد و پس از ایراد سخنان موافق و مخالف در مورد آن به تصویب رسید. طبق ماده ۲۳، چنانچه

مردی همسر خود را در حین رابطه نامشروع با مرد دیگری بیابد شوهر حق دارد زن را یا هم بستر او را یا هر دو آنها را به انتخاب و اراده خویش بکشد و چنین قتل نفس عمدی جرم نیست تا قابل مجازات باشد. در قصاص عضو، زن و مرد برابر یکدیگرند و مرد جانی به سبب نقض عضوی که به زن وارد کرده به قصاص عضو مانند آن محکوم می شود. اما زن و مرد در قصاص قتل برابر نیستند. اگر مردی زنی را به قتل برساند به قصاص قتل محکوم می شود ولی خانواده آن زن باید پول خون وی را بدهند؛ در حالیکه زن قاتل بدون دریافت پول خون به قصاص قتل محکوم می شود. خانواده زن مقتول این اختیار را دارند که از قصاص مرد قاتل صرف نظر کرده، فقط پول خون زن را از وی بگیرند. شهادت دوزن در امور اثبات زنا برابر با شهادت یک مرد است. حد زنا شامل سنگسار، قتل، تازیانه، تراشیدن سر و تبعید است. حد لواط قتل است و حد شراب خوردن هشتاد تازیانه است چه برای زن و چه برای مرد. غیرمسلمان فقط در صورت تظاهر به شراب خوردن در ملا عام مشمول حد می شود.



شرکت کتاب

کتابهای فارسی و انگلیسی راجع به ایران

ناشر **یلوپیج ایرانیان**

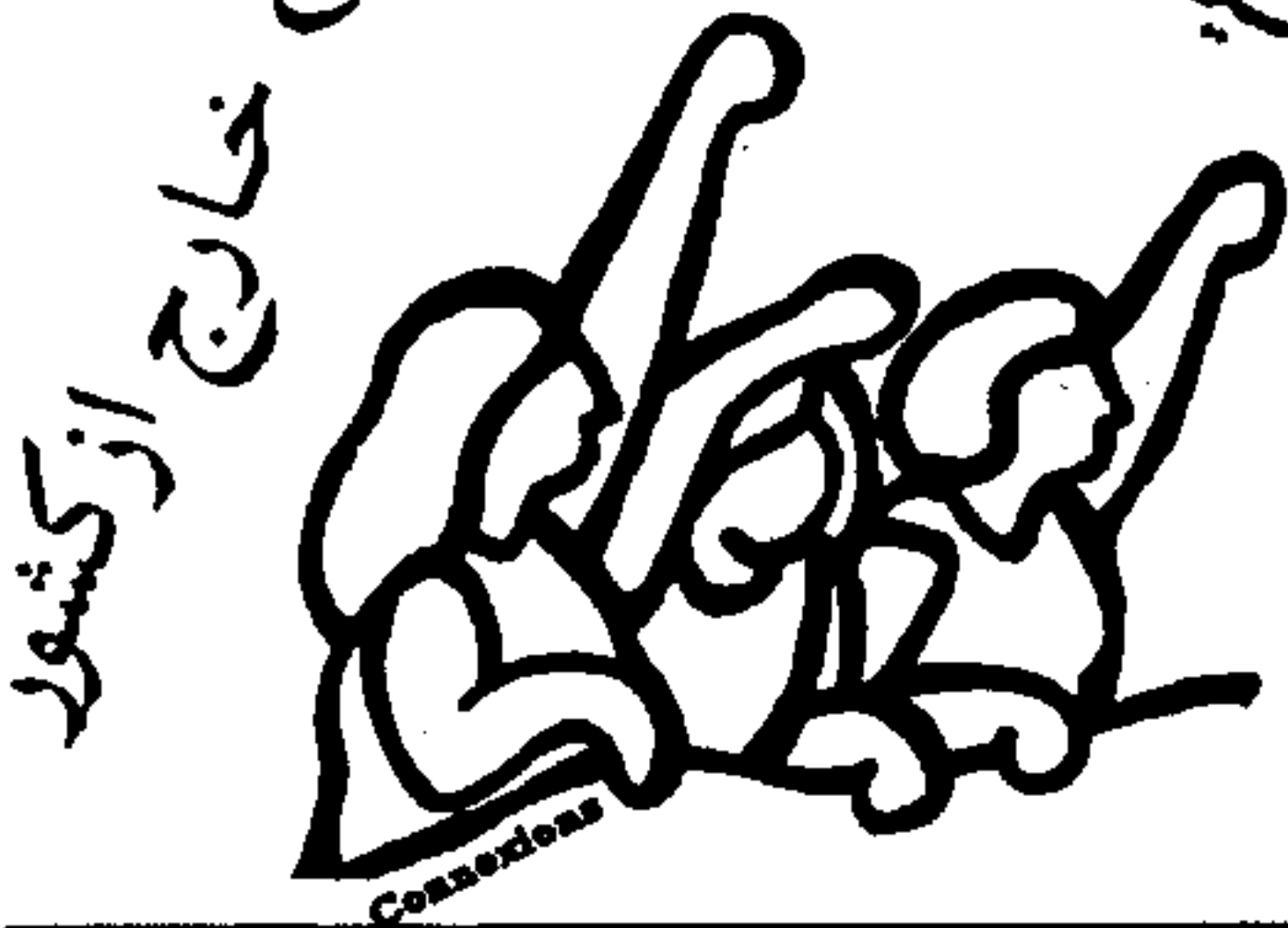
«راهنمای مشاغل و نیازمندیهای ایرانیان»

برای دریافت «پیک کتاب» فهرست کتابهای موجود
بانشانی و تلفن زیر تماس حاصل فرمائید

Ketab Corp.
16661 Ventura Blvd.,
Suite 111
Encino, CA 91436

(818) 99 KETAB
(995-3822)

فعالیت‌های زنان ایرانی



گزارش‌های زیر از فعالیت‌های زنان ایرانی در سال گذشته به دستمان رسیده است که شامل مطالب زیر می‌شود:

فعالیت‌های «بخش زنان کانون ایرانیان لندن»، دو فراخوان از طرف زنان ایرانی در کالیفرنیا، بیانیه «جمعیت زنان ایرانی در هلند»، و اطلاعیه‌ای از «هسته تشویک زنان در پاریس»، اعلامیه‌ای از دو زن ایرانی برای تهیه مجموعه‌ای درباره «فمینیسم ایرانی»، «طرح پیشنهادی اسامنامه زنان ایرانی در بریتانیا» و گزارش فعالیت‌های «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور» (آلمان).

Women's Section
Iranian Community Centre
465A Green Lanes
London N4 1HE

بخش زنان کانون ایرانیان لندن

برخی از فعالیت‌های بخش زنان در سال گذشته:

۱ - انتشار خبرنامه بخش زنان

خبرنامه بخش زنان به طور مرتب هر دو ماه یک بار انتشار یافته است و مطالب آن شامل قسمت‌های زیر است:

سر سخن، اخبار کانون، اخبار لندن، اخبار ایران (بریده جراید)، معرفی یک زن فعال و ...

۲ - برگزاری روز جهانی زن

روز جهانی زن در ماه مارس ۱۹۸۷ در لندن توسط کمیته زنان کانون جشن گرفته شد. در

این جشن علاوه بر خواندن مقاله یکی در مورد وضعیت کلی زنان و یکی در مورد حقوق زنان در بریتانیا، برنامه های شعرخوانی و موسیقی و رقص و آواز محلی نیز اجرا شد. جمعیت شرکت کننده متجاوز از دو پست و پنجاه بود و از میان جمعیت دوزن که تازه از ایران رسیده بودند راجع به تجربیات خود صحبت کردند.

۳- تشکیل کلاسهای فارسی کودکان

تا سال گذشته کلاس فارسی کودکان در ناحیه ای در مرکز لندن برگزار می شد و کودکان در سطح ابتدایی آموزش می دیدند. در سال جاری بخش زنان دو کلاس فارسی دیگر در نواحی شمال و غرب لندن دایر کرده است. در این کلاسها آموزش در سطح ابتدایی است و یک کلاس نیز در سطحی بالا تر برای نوجوانان دایر شده است. شهریه کلاسها بسیار نازل و در حد تهیه لوازم و کتاب تحصیلی دانش آموزان است.

۴- ترجمه و تکثیر

علاوه بر جزواتی که تا این زمان بخش زنان تهیه کرده و لیست آن در شماره های قبلی نیمه دیگر آمده است دو جزوه جدید را، تحت عنوان «زنان و ایدز» و «چه مطالبی را باید والدین در مورد مواد مخدر بدانند»، ترجمه و تکثیر کرده است.

۵- جلسات گروه هم آبی زنان به دفعات و به اشکال مختلف تشکیل شده است.

۶- بخش زنان در کنفرانسها و مجامع متعددی شرکت داشته است که مهمترین آنها کنفرانس بین المللی «زنان و مسکن» در شهر شفیلد (گزارش این کنفرانس در خبرنامه شماره ۲۲ بخش زنان آمده است) و جلسه «زنان در جنگ» بود.

۷- بخش زنان همه هفته روزهای پنجشنبه را به پذیرائی و صحبت و گفتگو با زنان اختصاص داده است و از کلیه زنانی که علاقمند به آشنا شدن با یکدیگر هستند و یا می خواهند برای یکساعتی هم که شده از دلتنگی و تنهایی بیرون آیند با آغوش باز استقبال می کنند. این علاوه بر برنامه های جاری کانون است که رسیدگی به مسائل و مشکلات ایرانیان را روزانه در دستور کار خود قرار داده است.

۸- مبارزه علیه اخراج زن حامله ایرانی.

در این مبارزه از ارگانها و سازمانها و گروههای مختلف زنان درخواست شد که از مبارزه زنان ایرانی در این راه پشتیبانی کنند. این مبارزه با موفقیت پایان یافت.

دو فراخوان برای ایجاد تشکل جدیدی از زنان در کالیفرنیا

فراخوان (۱)

زنان آزادیخواه و مبارز:

همانطور که اطلاع دارید فعالیتهای مختلف دموکراتیک زنان در جهت ترویج و گسترش فرهنگ و ارزشهای برابری طلبانه، پیشبرد دانش اجتماعی و خودآگاهی زنان و مقابله با سنن و عقاید و عادات مردسالارانه در بین زنان و مردان، تحریک نامهای گوناگون در بین زنان ایرانی مقیم لوس آنجلس وجود داشته است. به منظور هر چه وسیعتر کردن ارتباط بین جمعهای مختلف زنان جلسه ای در تاریخ شنبه ۱۶ ماه مه در محل دانشگاه یو. اس. سی سالن وی. ک. سی. برگزار می شود.

هدف اصلی این گردهمایی ایجاد ارتباط، همبستگی، هماهنگی و همکاری بین فعالیتهای آموزشی و مطالعاتی، فرهنگی، تحقیقی و آکادمیکی، انتشاراتی، سیاسی و مبارزاتی زنان ایرانی ساکن لوس آنجلس می باشد.

از تمامی زنان علاقه مند دعوت می شود صرف نظر از تعلقات و اعتقادات فردی و گروهی خود، چنان که خواهان برابری حقوق زن و مرد بوده و مخالف تبعیض جنسی و ستم بر زن و قید و بندها و سرکوب زنان هستند، در این گردهمایی شرکت جویند و برای پی ریزی یک مجموعه از ارتباطات و همکاریها در بین زنان نظر داده و در حد ذوق و علاقه، وقت و توان و فراخور اعتقادات خود در این راه گام بردارند.

زمان	:	شنبه ۱۶ ماه مه ۱۹۸۷
مکان	:	دانشگاه یو. اس. سی. سالن وی. ک. سی.
ساعت	:	۶ بعد از ظهر

فراخوان (۲)

زنان آزادیخواه و مبارز:

به دنبال فراخوانی که طی آن از زنان ایرانی معتقد و علاقه مند به مسائل و مبارزات زنان برای ایجاد ارتباط و تبادل نظر با یکدیگر دعوت شده بود، جلسه ای در تاریخ ۱۶ ماه می با شرکت تعدادی از زنان ساکن لوس آنجلس تشکیل گردید. در این جلسه عده ای از زنان، چه به شکل مستقل و چه به عنوان عضوی از گروه ها، انجمن ها، و جمع های زنان با گرایشهای مختلف شرکت جست و به طرح مقدماتی خواسته ها و نظرات خود پرداختند. اگرچه این اولین نشست فرصت کافی برای آشنایی با نقطه نظرات، تجربیات و اهداف شرکت کنندگان نبود، اما جلسه در محیطی دوستانه و فضایی توأم با حسن نیت، اشتیاق به فراگیری از هم و پایه گذاری همکاریها و فعالیتهای آتی با موفقیت برگزار گردید.

با وجود اینکه این اولین گردهمایی تنها مقدمه ای بود برای آشناییهای بیشتر در تصمیم گیریهای آتی، ونی به نتایج چندی نیز دست یافت. مهمترین آن توافق بر سر ادامه جلسات بصورت ماهانه بود که خود می تواند اولین نتیجه منطقی برای همکاری های آینده محسوب شود.

شرکت زنان علاقه مند در جلسات ماهانه همراه با ارائه دیدگاههای ایدئولوژیک راجع به مسائل و مبارزات زنان و مطرح کردن دست آوردهای فکری و عملی خود چه به شکل گروهی و یا فردی در زمینه های مطالعاتی انجام فعالیتهای فرهنگی، هنری، سیاسی، مبارزاتی، چگونگی نشر و ارائه نظرات و بحثهای مربوط به زنان در سطح عمومی بصورت نشریه و غیره مطمئناً می تواند افراد را به شناخت از یکدیگر نزدیک کرده و زمینه همکاریهای آتی را بین افراد و جمعیهایی که در هر یک از این موارد نظرات مشابهی دارند فراهم کند.

واضح است که مطرح کردن نظرات در تمام این زمینه ها بوسیله افراد یا جمعیهای فعلی زنان زمانی عملی خواهد بود که هر فرد یا گروه مطالعاتی مطلبی را به جمع ارائه دهد که در آن علاوه بر نظرات ایدئولوژیک خود در مورد مسئله زنان و چگونگی کار کردن در رابطه با این مسئله نسبت به هر یک از موارد اشاره شده در بالا نیز دید خود را روشن کند. همچنین این نکته را هم باید در نظر داشت که بر اساس جمع بندی جلسه گذشته نشست های فعلی تا مدتی با این هدف برگزار میشود که افراد به شناخت هر چه بیشتر از یکدیگر

دست یابند. به عبارت دیگر، هدف از جلسات اولیه مطرح کردن بحثهایی در جهت اقناع همدیگر نیست. مسلماً به دنبال فراهم آمدن شناخت نسبی از یکدیگر یکی از اهداف آینده این گردهمایی های ماهانه میتواند ارائه بحثهای نظری راجع به زنان بمنظور مجادله ایدئولوژیک نیز باشد.

بنا بر این برای بازدهی بیشتر جلسه آینده و تسهیل و تسریع در امر شناخت از یکدیگر و تصمیم گیری برای چگونگی پیشبرد همکاری و فعالیتهای آتی لازم است افراد شرکت کنندۀ قبلاً مطالب مورد نظر خود را به صورت تنظیم شده و با در نظر گرفتن نکات ذکر شده در بالا، به جلسه آینده ارائه دهند.

از تمامی زنان علاقه مند و آزادیخواه خاصه آنانی که موفق به شرکت در جلسه اول نگشته بودند دعوت میشود در نشست بعدی که در تاریخ شنبه ۶ ژوئن ۱۹۸۷ در ساعت ۵ بعد از ظهر برگزار میشود شرکت جویند.

زمان شنبه ۶ ژوئن ۱۹۸۷، ساعت ۵ بعد از ظهر
مکان دانشگاه کالیفرنیا جنوبی (U.S.C.)، سالن وی. ک. سی.،
اطاق شماره ۱۶۰.

بیانیه جمعیت زنان ایرانی در هلند

افتاده ها برخیزید

تشکیل کمیته های مختلف زنان در خارج از کشور نشانه ای از احتیاج ما زنان به جمع شدن در کانون های مستقل خود و پرداختن به مسائل و یژه خودمان است. ما در گذشته، زمانی که به پشت سر می نگریستیم چیزی بجز بیگانگی از جنسیت خود و دیوارهایی که در اطراف خود کشیده بودیم نمی یافتیم. دیوار بی اعتمادی به وجود و توانایی خود. حصار جبر جباران زمانه، حصار بلند جامعه مرد سالار و حصار تشکیلات سالار مردانه. آری به چشم خود می دیدیم که چگونه خود ما بودیم که در تفکر و عمل روزمره خود را بعنوان موجودی ضعیف مطرح نموده ایم و باز می دیدیم که رژیم جبار چه

ستمها که بر ما روا نداشته و چه تیرها که از ترکش جامعه مرد سالار به هر شکل و هیبتی به سویمان نشانه نرفته است. بوضوح دیدیم که بخشی از ما بی توجه به خواستههای مستقل خود، درون تشکلات سیاسی فقط به «رتق و فتق» امور این تشکلات اساساً مردسالارانه مشغول بودیم.

آری، در ابتدا این تاریخچه را به چشم خود دیدیم و نیاز به رهایی از میان این حصارها را در درونمان حس کردیم. جمع شدیم اساسنامه ای را به نام «تشکل مستقل و مترقی زنان ایرانی در هلند» تدوین نمودیم و تلاش هر چند اندک خود را آغاز کردیم. با گذشت زمان به این رسیدیم که به آنچه می خواستیم دست نیافته ایم. چرا که اساسنامه ای را که پایه حرکت قرار داده بودیم آلوده به همان حصارهای سابق می یافتیم. تازه می دیدیم که چگونه بخشی از زنان را به خاطر ایده ها و تفکرات مختلف بدین وسیله از خود رانده ایم و مرزبندیهایی نموده ایم که در آن زن به عنوان موجودی تحت ستم به دست فراموشی سپرده شد و جنگ ایدئولوژیک جایگزین آن گردیده است. به همین دلیل اساسنامه را به کناری نهاده و مصمم شدیم که با تمام اختلاف نظرات و گوناگونی اندیشه هایمان صرفاً به عنوان زن برای شناخت بیشتر خود به یکدیگریاری رسانیم. ما اختلاف نظرات خود را هر چند عمیق نه نشانه ضعف، بلکه نمود تعالی خود میدانیم و برای سهولت کار و به منظور رشد بیشتر، جمعهای «فرهنگی و مطالعاتی» مستقل از همی را تشکیل داده ایم که همه به راحتی و اختیار کامل بتوانند در این جمعها حرکت نمایند.

دوستان، در راهی که قدم نهاده ایم حقیقتاً بسیار کم میدانیم و نیازمند ایده ها و تفکرات تمام زنان اندیشمند، زنانی که به متمکشدگی خود واقفند و حتی مردان آزاد اندیش میباشیم. به امید اینکه به یاری یکدیگر بتوانیم در راه تحقق حقوق پایمال شده مان قدمهای موثری برداریم.

در آخر لازم به تذکر است که با وجود اختلاف نظرات در بین ما و با احترام گذاشتن به حق دمکراتیک همگان از این به بعد مطلب یا موضوعی که مورد توافق همگان نباشد به اسم «گروهی از ...» آورده خواهد شد.

زنده باد همبستگی زنان بر علیه فرهنگ مردسالار

جمعیت زنان ایرانی در هلند

۸۷/۱/۲۲

پس از این بیانیۀ دیگر بنام «عده ای از جمعیت زنان ایرانی در هلند» و عضوی از جمعیت زنان ایرانی در هلند نیز بدست ما رسیده است. اعلامیه زیر را به مناسبت روز جهانی زن انتشار داده اند:

سازمانهای زنان، مردم آزادیخواه هلند

بیش از ۷ سال است که رژیم جمهوری اسلامی بجز کشتار انسانها، نابودی فرهنگ و به غارت بردن منابع کشورمان کاری انجام نداده است. و اما، آنچه بر سر زن ایرانی در این برهه رفته است ناگفتنی است. تنها کافی است که نگاهی به آمار و ارقام سازمان حقوق بشر و اخبارهای مندرجه در تشریحات گوناگون بیندازیم تا عمق فاجعه ای، که بر سر زن ایرانی تا کنون رفته است را کمی درک کنیم. تنها در ماه جون ۱۹۸۱ حداقل ۱۸ زن باردار به جوخه اعدام سپرده شده اند. تعداد کثیری از زنان به جرم «بدحجابی» شلاق خورده و به زور آنها را وادار به بیگاری و یا شستن اجساد نموده اند عده ای دیگر را به جرم داشتن رابطه با یک انسان دیگر (یک مرد، و یا بقول خود رژیم «زنا») سنگسار کرده اند. در سال ۸۶ رژیم با تشکیل «بنیاد حفظ و ارشاد دختران و زنان بی سر پرست» که «محسن رفیق دوست» وزیر سپاه جمهوری اسلامی سر پرستی بنیاد مزبور را دارد عملاً مقامات اسلامی تهران نسبت به فروش دختران و زنان «بی سر پرست و بیوه» مبادرت ورزیده اند. در این بنیاد از زنانی که به دلایل «بدحجابی» برای ارشاد به بنیاد آورده شده اند و همچنین زنان و دختران شهدای جنگی آلبومی که شامل عکس و مشخصات آنان می باشد تهیه شده است. مقامات اسلامی با بی شرمی این آلبومها را در اختیار دیگر سرسپردگان رژیم قرار داده و آنها می توانند در ازای پرداخت مبلغی زن دلخواه خود را انتخاب کرده و صیغه کنند. همچنین از زمان به روی کار آمدن رژیم زنان گروه گروه از مراکز اجتماعی به بهانه های مختلف بیرون رانده شده اند. رژیم با وقاحت هر چه بیشتر به روی تمامی این کارهای ضد بشری خودش رنگ قانون می زند و آنچه که به نام «لایحه قصاص» در ایران کنونی اجرا میشود نمونه بارزی از این وحشیگری ۱۴۰۰ ساله است.

در ذهن و تفکرات تدوین کنندگان این لایحه زن در جرگه انسانها بشمار نمی رود و مانند گوسفند و شتر ذبح اسلامی می شود. هر مرد مسلمان بدون کمترین واهمه از مجازات (قصاص) می تواند آنها را بکشد در بهترین حالت (در مورد ادیان دیگر «دیه» بپردازد و در حالات دیگر حتی از پرداخت «دیه» نیز معاف می شود. زن در صورتیکه مسلمان باشد در مقایسه با مرد مسلمان نصف انسان است. در قانون خانواده اسلامی آمده است: یک مرد

می تواند ۴ زن دائمی و تعداد نامحدود صیغه داشته باشد. سن قانونی برای ازدواج دختران ۹ سال تعیین شده است. زنان حق ندارند قومیت فرزندان خود را در طول ازدواج بعد از طلاق و حتی زمانی که شوهر میمیرد داشته باشند. همچنین طلاق به مثابه یک حق فقط از آن مردان است.

آری حملات رژیم بر ما زنان را گویی پایانی نیست. از این رو اینک ما به عنوان جمعی از زنان ایرانی که زیر فشار و تعرضات وحشیانه رژیم تبعید را اجبارانه قبول کردیم از تمامی سازمانهای زنان و جریانات دمکراتیک می خواهیم اینک که ۸ مارچ (روز همبستگی زنان) را در مقابل داریم متحد شویم و صدای حق طلبانه زنان ایرانی را به گوش همگان برسانیم.

پیش بسوی همبستگی زنان برای بدست آوردن حقوق انسانی خویش

گرامی باد ۸ مارچ

جمعیت زنان ایرانی در هلند

۱۹۸۷/۳/۷

کارهایی که پس از دوره جدید فعالیتشان انجام داده اند به قرار زیر است:

«۱- برای تماس با دیگر زنان و پیشبرد کارهایمان، جایی را تهیه کردیم که اینک دو روز در هفته و بنام «کانون زن ایرانی» برای همگان باز است.

۲- به مناسبت روز جهانی زن بر آن شدیم که به افشای سیاستهای زن ستیز جمهوری اسلامی دست زنیم. به همین خاطر نامه ای به تمامی گروههای زنان ایرانی در کشورهای دیگر فرستادیم که در روزی مشخص، یکپارچه دست به یک رشته فعالیتهای افشاگرانه بزنیم. خودمان نیز در روز ۷ مارس با گذاشتن تظاهرات ایستاده ای در امستردام و همچنین پخش اعلامیه ای به زبان فارسی و هلندی تا حدی توانستیم نظرات دیگران را نسبت به این مسئله جلب کنیم. از فعالیتهای دیگر جریانات زنان بی خبریم، تنها از تشکل مستقل و دمکراتیک زنان در آلمان - هانفر با خبر شدیم که آنها هم گویا نمایش خیابانی به همین مناسبت بر پا کردند.

۳- به تاریخ ۱۵ مارس به مناسبت روز جهانی زن گردهمایی داشتیم که در آن نزدیک به ۳۰۰ تن ایرانیان و هلندیها شرکت کردند. این برنامه شامل:

- ماجرایی ترانه های محلی ایرانی

- باله ای با مضمون تاریخیچه ای از ستم کشیدگی زن و براساس آهنگی از «ریسکی کرساکف»

- نمایش فیلم پرتره سیمون دپوار

- تأثر: قصه عشق

- دکلمه و اسلاید و همچنین گروه گر و موسیقی زنان هلندی بود. برنامه موفقیت آمیز ۱۵ مارس نخستگی ناشی از فعالیتهایی که در این دو ماه سخت ما را به خود مشغول کرده بود از تنمان درآورد و اینک ما پی گیرتر از پیش در پی برنامه ریزی فعالیتهای آینده مان هستیم.»

لطفاً برای تماس با ما از آدرس زیر استفاده کنید:

PostBus 2079
1000 CB
OOST ERDOKSKADE
AMSTERDAM
HOLLAND.

اطلاعیه هستهٔ تئوریک زنان در پاریس

ما عده ای از زنان ایرانی مقیم فرانسه، با درک لزوم شکل گیری جنبش مستقل زنان و با هدف مطالعه و بحث تئوریک بر سر ریشه های ستم کشیدگی زن و نیز بمنظور شناخت جریانات موجود در جنبش جهانی زنان، دو سال قبل آغاز بکار نمودیم. ما با این باور گرد هم آمدیم که رفع ستم بر زن، تنها با فروپاشی نظام سرمایه داری بخودی خود امکان پذیر نیست.

آنچه می تواند این ستم را در جامعه از میان بردارد از یک سو شناخت ریشه و منشأ این نابرابری و از سوی دیگر فعالیت در جهت شکل گیری جنبش گسترده و مستقل زنان می باشد.

کمیته مطالعه و تحقیق سیستماتیک در رابطه با ستم کشیدگی زن در سطح جنبش

ترقی خواهانۀ کشورمان ما را بر آن داشت تا گامهای اولیه خود را در جهت ترجمه و انتشار آثار چاپ شده به زبانهای خارجی برداریم. کوشش ما بر این است که مسائل مشترک زنان را در جوانب گوناگون مادری، خانواده، اشتغال، کار خانگی، پدرسالاری و غیره، که بدون توجه به ملیت در سطح جهانی موجودند بررسی و مطرح سازیم. ما برآنیم تا دردهایی را که مثل خوره قرنهای روحمان را خورده اند ابراز کنیم. زیرا این دردها تا زمانی که بطور وسیع ابراز نگردند، قابل التیام و نابود شدنی نخواهند بود!

روابط درونی ما شرکت کنندگان این هسته تئوریک، جدا از مرزبندی با دور ژیم پهلوی و جمهوری اسلامی، نه بر پایه تعلقات و هم نظری های سیاسی، بلکه بر مبنای اعتقاد مشترک به جنبش مستقل زنان و مباحث کار مطالعاتیمان استوار می باشد. لازم به تذکر نیست که شکل گیری حرکت ما مستقل از هر گونه سازمان و تشکیلات سیاسی بوده و عدم دخالت وابستگی های سیاسی افراد، جزء مشخصات همکاریمان می باشد.

اکنون پس از گذشت دو سال دریافتیم که تنگ نظری و دگماتیسم گروهی گویا بیماری علاج ناپذیری است. چرا که یکی از اعضاء جمع ما (از هواداران نشریه «سوسیالیسم و انقلاب») که مسئولیت تایپ مقالات و نگهداری آرشیوراه عهده دار بود بخاطر عدم درک لزوم استقلال جنبش زنان و با زیر پا گذاشتن هر گونه پرنسیب کار گروهی، با ضبط تمامی مقالات ترجمه شده ما اقدام به انتشار جزوه ای با عنوان «زنان سوسیالیست» (با همکاری عده ای از هواداران نشریه «سوسیالیسم و انقلاب» در انگلیس) نموده است.

ما این حرکت غیر اصولی را نه تنها بعلت ضربه ای که به حاصل کار جمعی ما زده است محکوم می کنیم، بلکه به عقیده ما اصولاً مخدوش کردن این نوع تعلقات سازمانی با کار مستقل زنان همواره مانعی بر سر شکل گیری جنبشی گسترده زنان بوده است.

ما با اعتقاد راسخ به لزوم جنبش مستقل زنان و در ارتباط و همبستگی با دیگر جمع های مترقی زنان در سایر نقاط جهان، همچون سابق، با امید به آینده به کار خود ادامه خواهیم داد.

هسته تئوریک زنان

در پاریس

فمینیسم ایرانی را چگونه می بینید؟

اخیراً توجه خاصی به وجوه مشترک در مسائل و مشکلات زنان در سطح جهانی شده است و بسیاری معتقد به امکان مبارزه جهانی زنان یا به عبارتی انترناسیونالیسم زنان می باشند. بدون شک زنان جهان از نظر نظام اقتصادی و ایدئولوژیک از شرایط مشابهی رنج می برند. اما لازم است که در کنار چنین دیدگاهی زنان اقوام و کشورهای مختلف شناخت خود را نسبت به مسائل و مشکلات خاص خود ارتقاء دهند تا با زبان خود، و بطور عینی تر و عملی تری به حل این مشکلات بپردازند. دوستان، شما در این رابطه چگونه می اندیشید؟

فمینیسم ایرانی را چگونه می بینید؟ مشکلات خاص زنان ایرانی را چه تشخیص می دهید؟ آیا روش خاصی را در راه بالا بردن آگاهی زنان ایران پیشنهاد می کنید؟ ... و بسیاری سؤالات دیگر که احتمالاً شما خود بدانها و حتی به پاسخشان رسیده اید.

از شما می خواهیم در رابطه با این سؤالات اگر نوشته، نظریه یا اگر مطلبی دارید برای ما ارسال دارید. هدف ما گردآوری و انتشار مجموعه ای از این مقالات است. مقالاتی که حاصل تلاشها، اندیشه ها و تجربیات زنان ایرانی باشد و در آن بهره گیری از دست آوردهای نظری و مبارزاتی زنان در دیگر نقاط جهان، به مسائل مشخص زنان ایران پرداخته شود و وجوه اشتراک و افتراق آنان با زنان دیگر کشورها مورد بررسی قرار گیرد. باشد که در پی همین مقالات گامی بیشتر در گسترش آگاهی و رشد تئوریک در جنبش زنان ایران برداشته باشیم.

نیره توحیدی - فریاد فروگران

تنها مقالاتی که تا تاریخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۷ بدست ما رسیده باشد برای درج در مجموعه فوق الذکر مورد بررسی قرار خواهد گرفت. لطفاً دو نسخه خوانا از نوشته خود را به آدرس زیر ارسال دارید:

GOLCHIN
P.O. Box 2915
San Rafael, CA 94912
U.S.A.

طرح پیشنهادی اساسنامه سازمان زنان ایرانی در بریتانیا

پیشگفتار:

هم اکنون، در بریتانیا (بویره در لندن)، سازمان ها، گروه ها و محافل متعددی از زنان ایرانی که به نحوی از انحا درگیر مسائل و یژه زنان اند، شکل گرفته است. زنان ایرانی، با عقاید و نظریات مختلف، چه از طریق اینگونه تشکل ها و چه از طرق دیگر گرد هم آمده اند و در طیف وسیعی از فعالیت های فرهنگی، سیاسی، دفاعی، رفاهی و غیره با یکدیگر همکاری می کنند. هرچند که بسیاری از این فعالیت ها بطور جداگانه صورت می گیرند، همگی، از آنجا که مربوط به زنان و مسائل و یژه زنان اند، می توانند در خدمت یکدیگر نیز قرار گیرند. بهمین خاطر، وقت آن رسیده است که تشکل وسیعتری که بتواند همه فعالیت های فوق را در بر بگیرد و بتواند شرایط را برای همکاری و همیاری هر چه بیشتر زنان ایرانی فراهم سازد، ایجاد گردد. طرح تشکیل سازمان زنان ایرانی در بریتانیا در اساس از همین انگیزه نشات می گیرد.

سازمان زنان ایرانی باید اولاً، سازمانی باشد که از درون فعالیت های موجود و توسط خود زنان درگیر در این فعالیت ها شکل بگیرد و ثانیاً، بتواند به همه نیازهای زنان ایرانی پاسخ دهد. بنابراین، باید که سازمانی باشد مستقل و متکی بر گسترده ترین شکل ممکن دموکراسی مستقیم. شکل تشکیلاتی آن باید به نحوی باشد که هر دسته و گروهی از زنان ایرانی بتوانند در مورد هر مسأله ای که خود مهم تشخیص می دهند، از امکانات آن بهره مند شوند و چارچوب تشکیلاتی آن را نه بصورت سد و مانع که مفید برای پیشبرد کار و یژه خود تلقی کنند. نباید بر اساس هیچ اصل و اساسنامه ای نظریاً عملی به کسی که مخالف آن است تحمیل شود.

چنین سازمانی فقط می تواند بر اساس اصل کلی تشکلی از کمیته های خود مختار که بر اساس تصمیم خود عمل می کنند و بر اساس تشخیص خود وارد همکاری و هماهنگی با سایر کمیته ها می شوند، مفهوم پیدا کند. باید هر عده ای که مایلند بتوانند تحت چارچوب کلی این سازمان کمیته مستقل خود را تشکیل دهند، و بر اساس اهداف اعلام شده خود فعالیت های خود را تنظیم کنند و هر زمانی که خود تشخیص دادند بر اساس توافق متقابل با سایر کمیته ها وارد هماهنگی و همکاری شوند. طرح پیشنهادی اساسنامه این سازمان بر اساس چنین هدفی نوشته شده است.

لازم به تذکر نیست که این طرح صرفاً طرحی است اولیه که باید با درگیری دیگران و در طول کار مقدماتی دوره بعدی اصلاح شود. هدف این است که با کتبی کردن آن امر تبادل نظر تسهیل شود و بحث و تصمیم گیری نهائی بر پایه ای روشن تر قرار گیرد. بدون تردید هیچ اساسنامه ای عاقبت قبل از شروع کار کامل نخواهد بود. مضافاً باینکه، دست آخر این اساسنامه نیست که بکار ما نظم خواهد داد. حسن نیت و اشتراک نظر بر سر اهمیت کار بهترین اساسنامه ماست!

* * *

اهداف و اصول سازمان زنان ایرانی در بریتانیا:

الف - کلیات

- ۱ - سازمان زنان ایرانی در بریتانیا سازمانی است مستقل از هر گونه شکل دیگر و متشکل از زنان ایرانی مقیم بریتانیا.
- ۲ - کلیه زنان ایرانی مقیم بریتانیا می توانند در صورت تمایل و بر اساس پذیرش اساسنامه سازمان زنان به عضویت آن درآیند.
- ۳ - فعالیت در سازمان زنان داوطلبانه است و تحت هیچ شرایطی نمی توان تصمیمی را بر عضوی که مخالف آن باشد تحمیل کرد.
- ۴ - کسانی که به نحوی از انحا در سرکوب حقوق زنان شرکت کرده اند و یا به چنین جریانات و تشکلاتی تعلق دارند، به عضویت این سازمان پذیرفته نخواهند شد.
- ۵ - سازمان زنان ایرانی متکی بر کمیته های خودمختار است و کلیه فعالیت های آن از طریق این کمیته ها صورت خواهند گرفت.
- ۶ - به منظور هماهنگی در فعالیت ها کمیته هماهنگ کننده ای متشکل از نمایندگان این کمیته ها تشکیل خواهد شد که صرفاً نقشی مشورتی و هماهنگ کننده دارد و نمی تواند نظری را بر کمیته ای تحمیل کند.
- ۷ - کلیه اعضا سازمان زنان می توانند بر اساس اهداف و آئین نامه مورد قبول خود دست به ایجاد کمیته های جدید بزنند.

۸ — کلیه اعضا سازمان زنان می توانند تحت نام این سازمان و یا کمیته ای از این سازمان که عضو آن هستند، نظرات خود را با امضاء فردی یا گروهی بطور علنی به بحث بگذارند.

۹ — عضویت در این سازمان یا از طریق پیوستن به یکی از کمیته های آن و یا از طریق ارسال کتبی تمایل به عضویت به کمیته هماهنگ کننده صورت خواهد گرفت.

۱۰ — حداقل هر سال یک بار کنفرانس عمومی سازمان توسط کمیته هماهنگ کننده برای بحث و تبادل نظر میان کلیه اعضا و کمیته ها برگزار خواهد شد. شرکت در این کنفرانس برای همه اعضائی که تا یک ماه قبل از برگزاری آن عضویت خود را بطور کتبی تمدید کرده اند آزاد است.

۱۱ — قطعنامه های مصوبه و کلیه تصمیمات کنفرانس عمومی (جز در مورد اساسنامه) که بر اساس اکثریت نسبی آرا اتخاذ خواهند شد، صرفاً نقش پیشنهادی دارند و اعضا و یا کمیته های سازمان فقط در صورت تمایل به اجرای آن مبادرت خواهند کرد.

۱۲ — تصمیمات اساسنامه ای فقط بر اساس توافق حداقل دو سوم اعضا رسمیت خواهند داشت و کلیه پیشنهادات برای تغییر اساسنامه باید لااقل یک ماه قبل از کنفرانس عمومی بطور کتبی در اختیار کلیه اعضا قرار گرفته باشند.

ب — اهداف:

هدف کلی سازمان زنان ایرانی خدمت به جامعه زنان ایرانی است و بدین منظور به کلیه اقداماتی که اعضا آن برای تحقق این هدف لازم تشخیص دهند، دست خواهد زد. بنابراین، نمی توان از قبل کلیه این اقدامات را پیش بینی کرد و لیست زیر الزاماً کامل نخواهد بود. لیست زیر می تواند در طول کار و بر اساس تشخیص اعضا و کمیته های متشکل از آنها کم یا زیاد شود:

۱ — گرد هم آوری کلیه امکانات مالی، حقوقی، رفاهی، فرهنگی و غیره برای خدمت به همه زنان ایرانی نیازمند این امکانات بویژه زنان پناهنده ایرانی در بریتانیا.

۲ — سازماندهی تجمعات و فعالیت هایی که به گرد هم آئی زنان ایرانی و گسترش آشنائی شان با یکدیگر و مسائل یکدیگر و تشویق همیاری و همکاری در میان آنها کمک کند.

۴ - کمیته دفاعی: برای تبلیغ وضعیت زنان تحت ستم ایرانی، بسیج همبستگی با مبارزات آنها، کمک به ایجاد ارتباط میان زنان ایرانی در داخل و خارج کشور، و کمک به گسترش ارتباطات میان همه سازمان های زنان.

۵ - کمیته تئوریک: برای کمک به آشنائی زنان با مباحثات موجود در مورد مساله ستم کشیدگی زنان، برگزاری جلسات و سمینارها برای بحث و تبادل نظر بر سر این مسائل و سازمان دادن انتشارات ضروری برای پیشبرد این گونه فعالیت ها.

۶ - کمیته تحقیق و ترجمه: برای سازمان دادن تحقیقات لازم در مورد وضعیت زنان ایرانی و فراهم کردن امکانات ترجمه ای برای گسترش اطلاعات عمومی زنان در رابطه با مسائل ویژه زنان.

۷ - کمیته ورزشی و تفریحی: برای برگزاری فعالیت های جمعی تفریحی و ورزشی و گرد هم آئی های دوستانه.

گزارش کوتاهی از فعالیت «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور» در سال ۱۹۸۷ میلادی

سال ۱۹۸۷ میلادی سالی پرثمر برای «دفتر مشاوره زنان ایرانی و آلمانی» بود. کار ما ادامه فعالیت چهار ساله «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور» در فرانکفورت در همکاری با زنان حزب سبز بود و حاصلش تأسیس خانه زنان در سال ۱۹۸۴ بود. در این پیرامون توانستیم ضرورت وجود چنین موسسه ای را در سطح وسیعی، چه برای زنان ایرانی مقیم آلمان و چه برای افکار عمومی و مؤسسات آلمانی مشخص کنیم. شرکت فعال ما در جلسات مختلف - که شامل خواندن مقاله در مورد وضع زنان در جمهوری اسلامی ایران، علل فرار آنان از ایران و موقعیت آنان در آلمان، مصاحبه با رسانه های گروهی در مورد زن ایرانی، نوشتن نامه های اعتراضی علیه محدود کردن حقوق پناهندگی، شرکت در تظاهرات بر علیه جنگ ایران و عراق و برگزاری سمینار سراسری برای زنان ایرانی می شود - بیانگر کوشش ما در سال گذشته است.

ما برای زنان ایرانی و زنان کشورهای دیگر مشاوره حقوقی - بهداشتی - تحصیلی، تدریس زبان آلمانی و همراهی زنان در ادارات مختلف و رفتن به نزد پزشک را به طور رایگان ارائه می دهیم و در تمام ساعات مشاوره نیز از کودکان مراقبت و نگهداری می شود. بودجه دفتر زنان را ایالت هسن و شهر فرانکفورت تأمین می کند.

اشکال مختلف مشاوره شامل مشاوره و راهنمایی در امور خانوادگی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی است - مشاوره حقوقی به منظور شناساندن حقوق پناهندگی و قوانین مربوط به خارجیهها است و با در نظر گرفتن محدود شدن حقوق پناهندگی در آلمان و تأثیر مستقیم آن بر موقعیت پناهندگان به خصوص زنان پناهنده، از اهمیت به سزائی برخوردار است. ما به این باوریم که راهنماییها و همراهی ما (از طرف زنان متخصص) کمک موثری در پروسه آشنایی و خو گرفتن با فرهنگ جامعه آلمانی است و در این زمینه موفق بوده ایم. در تکمیل کار خود با مشاورین اجتماعی آلمانی و مؤسساتی که با ایرانیان رابطه دارند از نزدیک همکاری می کنیم و سعی ما بر این است که آنها را با فرهنگ، خوی و منش ایرانیان آشنا کنیم تا امکان تصویر سالمی از موقعیت اجتماعی و خانوادگی آنان را برای مشاوران اجتماعی (آلمانی) فراهم آوریم.

متأسفانه سال آینده را باید با محدودیتهای مالی که ایالت هسن به طور کلی برای پروژه های زنان مستقل فراهم آورده آغاز کنیم در حالی که روزه روز موقعیت خارجیهها به خصوص زنان از نظر اجتماعی و حقوقی بحرانی تری می شود و نیاز به مؤسساتی از این قبیل محسوستر است.

بر اساس فعالیتها و تجاربی که در طول این چند سال کسب کرده ایم و در رابطه با هدف ما که کمک به زنان است برای شناختن و آگاهی به حقوق خود و فراهم آوردن محیطی که زنان بدون شرط اعتقاد به ایدئولوژی دیکته شده ای امکان رشد فکری داشته باشند، نیاز زنان به چنین کانونی موجودیت ما را ضروری می دارد. ما مصمم هستیم با وجود امکانات محدود و اضافه کارهایی که توان فرما است، امکانات فراهم شده را برپا نگاه داریم و در این راه ما به کمک تک تک زنان نیازمندیم.

مسئله مهمی که می بایست به آن بها داده شود، تغییر ساختار اجتماعی زن ایرانی مقیم خارج از کشور است. بخش مهمی از آنها تنها دارای تحصیلات ابتدایی هستند و زنان خانه داری هستند که تنها به منظور نجات جان فرزندان شان از چنگال جنگ مجبور به ترک ایران گشته اند و با دارا بودن تصورات و باورهای تا حدی مذهبی و سنتی با فرهنگ غرب مواجه می شوند. در این چارچوب برای ما سؤالات زیادی مطرح می شود.

از جمله:

ما برای زنان ایرانی و زنان کشورهای دیگر مشاوره حقوقی - بهداشتی - تحصیلی، تدریس زبان آلمانی و همراهی زنان در ادارات مختلف و رفتن به نزد پزشک را به طور رایگان ارائه می دهیم و در تمام ساعات مشاوره نیز از کودکان مراقبت و نگهداری می شود. بودجه دفتر زنان را ایالت هسن و شهر فرانکفورت تامین می کند.

اشکال مختلف مشاوره شامل مشاوره و راهنمایی در امور خانوادگی، تربیتی، فرهنگی، اجتماعی و حقوقی است - مشاوره حقوقی به منظور شناساندن حقوق پناهندگی و قوانین مربوط به خارجیهها است و با در نظر گرفتن محدود شدن حقوق پناهندگی در آلمان و تاثیر مستقیم آن بر موقعیت پناهندگان به خصوص زنان پناهنده، از اهمیت به سزایی برخوردار است. ما به این باوریم که راهنماییها و همراهی ما (از طرف زنان متخصص) کمک موثری در پروسه آشنایی و خو گرفتن با فرهنگ جامعه آلمانی است و در این زمینه موفق بوده ایم. در تکمیل کار خود با مشاورین اجتماعی آلمانی و مؤسساتی که با ایرانیان رابطه دارند از نزدیک همکاری می کنیم و سعی ما بر این است که آنها را با فرهنگ، خوی و منش ایرانیان آشنا کنیم تا امکان تصویر سالمی از موقعیت اجتماعی و خانوادگی آنان را برای مشاوران اجتماعی (آلمانی) فراهم آوریم.

متأسفانه سال آینده را باید با محدودیتهای مالی که ایالت هسن به طور کلی برای پروژه های زنان مستقل فراهم آورده آغاز کنیم در حالی که روز به روز موقعیت خارجیهها به خصوص زنان از نظر اجتماعی و حقوقی بحرانی تری می شود و نیازهایی مؤسساتی از این قبیل محسوستر است.

بر اساس فعالیتها و تجاربی که در طول این چند سال کسب کرده ایم و در رابطه با هدف ما که کمک به زنان است برای شناختن و آگاهی به حقوق خود و فراهم آوردن محیطی که زنان بدون شرط اعتقاد به ایدئولوژی دیکته شده ای امکان رشد فکری داشته باشند، نیاز زنان به چنین کانونی موجودیت ما را ضروری می دارد. ما مصمم هستیم با وجود امکانات محدود و اضافه کارهایی که توان فرسا است، امکانات فراهم شده را برپا نگاه داریم و در این راه ما به کمک تک تک زنان نیازمندیم.

مسئله مهمی که می بایست به آن بها داده شود، تغییر ساختار اجتماعی زن ایرانی مقیم خارج از کشور است. بخش مهمی از آنها تنها دارای تحصیلات ابتدایی هستند و زنان خانه داری هستند که تنها به منظور نجات جان فرزندانشان از چنگال جنگ مجبور به ترک ایران گشته اند و با دارا بودن تصورات و باورهای تا حدی مذهبی و سنتی با فرهنگ غرب مواجه می شوند. در این چارچوب برای ما سؤالات زیادی مطرح می شود.

از جمله:

— چگونه می توان با وجود آگاهی به نظریه فمینیستی با زنانی که شاید زیاده گویی نباشد چند روز پیش روسری خود را از سر برداشته اند همکاری نزدیک داشت؟

— چگونه می توان زنان را در امر تربیت بر پایه تساوی حقوق بین پدر و مادر و فرزند و همچنین بین فرزند دختر و پسر آگاه کرد؟

— چگونه می توان در رابطه زنانی که در دفتر مشاوره زنان شاغل هستند و زنان مراجعه کننده، با توجه به شرایط سیاسی و فرهنگی ایران، محیطی به وجود آورد که در آن حس اطمینان و اعتماد متقابل حکمروا باشد و در ضمن حریم شخصی یکایک زنان حفظ گردد؟

— چگونه می توان انگیزه همکاری را در زنان برانگیخت؟

سمینار «نقش زن در دیدگاههای مختلف و تأثیر آن در انقلاب ۱۳۵۷»

اولین سمینار سراسری «جنبش مستقل زنان در خارج از کشور» در سال ۱۹۸۷ در تاریخ ۲۸ - ۲۹ ماه مارس از ساعت ۱۱ صبح در فرانکفورت در «خانه زنان» برگزار گردید. تم این سمینار ادامه تم سمینار سراسری سال ۱۹۸۶ بود که از ۲۰ تا ۲۱ دسامبر در شهر هانور در مورد «نقش زن در فاشیسم»، از جنبه سیاسی و روانی، برگزار گردید. از آنجایی که ویژگیهای مشابهی با موقعیت کنونی ایران مشاهده میشود تصمیم گرفته شد در سمینار بعدی در مورد «نقش زن در دیدگاههای مختلف و تأثیر آن در انقلاب ۱۳۵۷» به بررسی عمیقتری پردازیم. خلاصه ای از سمینار «نقش زن در دیدگاههای مختلف و تأثیر آن در انقلاب ۱۳۵۷» حاوی مطالب زیر است:

نقش بسیاری از زنان در دفاع از خمینی و کمک به روی کار آمدن رژیم «جمهوری اسلامی» ما را به این نکته واقف می سازد که در بررسی سیستم مرد سالاری نباید تنها نقش زن را به عنوان «قربانی» دید بلکه تاثیر نرملهای اجتماعی، فرهنگی و مذهب بر زنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. تنها اشاره ای کوتاه به ۸ مارس ۱۹۷۹ و تظاهرات زنان بر علیه حجاب اجباری برای بازگو کردن این نکته کافی است. زنان حزب اللهی طرفدار

خمینی را که در این روزبه تظاهرات ضد حجاب حمله آوردند و با شعارهای مختلف خواستار سرکوب حقوق انسانی زنان شدند نمی توان «باج گیر» خمینی دانست. آنان با اعتماد راسخ به «اسلام» و «امام» فعالانه در پروسه شکل گیری انقلاب اسلامی شرکت کردند. در این روزها بسیاری از ما که اتحاد و همبستگی زنان را آرزو می کردیم، ناباورانه به مشتهای گره کرده این زنان خیره می شدیم که حتی پرشورتر از برخی از مردان شعار «یا روسری یا توسری» را می دادند و از جانب دیگر به پیچیده بودن روابط موجود سیستم مرد سالاری و جامعه سنتی مذهبی پی بردیم.

این تجربه گران را می توان از جنبه های گوناگون پاسخ گفت. اول هیچگاه مبارزات زنان علیه سیستم مرد سالاری و علیه استعمار زنان به عنوان موجودیت جنسیت زن نبوده است. دوم اصلاحاتی که به ظاهر صورت پذیرفت همواره جنبی بوده و هیچگاه تغییرات و تحولات از جانب زنان مستقیماً صورت نپذیرفت. سوم ظلم «مرد» به «زن» به عنوان ساختار حاکم بر جامعه هیچگاه مورد سؤال قرار نگرفت. از این رو بررسی نقش زنان از دیدگاه ایدئولوژیهای گوناگون و نفوذ آنها بر موقعیت و رشد زنان برای روشن شدن این بفرنج اجتماعی و فرهنگی حائز اهمیت است.

۱ - تأثیرات مدرنیزه شدن ایران بر موقعیت زنان

اگر به اوضاع زنان قشر پایین جامعه بین سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ از نظر اقتصادی و فرهنگی نگاهی بیفکنیم به این واقعیت پی می بریم که ازدست دادن موقعیت فعال آنان در دهات، با مهاجرت به شهرها، به دلایل بحران اقتصادی و به امید شروع زندگی بهتر و مرفه تری موقعیت آنان را به مراتب بدتر ساخت. تحقیقاتی که در سال ۱۹۷۸ در مورد حاشیه نشینان زن صورت گرفته نشان می دهد که اوضاع این زنان در شهرها هم از نظر اقتصادی (از دست دادن وظایف اجتماعی و تولیدی در ده) و هم از نظر فرهنگی (از دست دادن روابط خانوادگی و دسته جمعی در دهات) باعث محدود شدن فعالیتهای آنها شده و به خصوص موجب وابستگی بیشتر این زنان به شوهرانشان شد. فقر اقتصادی توأم با غربت و ناآشنایی با روابط فرهنگی شهری و عجین شدن ناهمگون فرهنگ غرب با فرهنگ مذهبی - سنتی - کلاف سر در گمی بود که برای زنان مشکلات فراوانی به همراه آورد. واضح است که تلاش این زنان در وهله اول برای بدست آوردن ابتدایی ترین حقوق خود بوده (تهیه غذا - لباس - خانه) و درگیری با نقش خود به عنوان زنان تحت ستم به طور آگاهانه امکان پذیر نبود. در این موقعیت بحرانی، دستاویزی مثل مذهب برای بخشی از

این زنان، که هیچ نفعی در پروسه مدرنیزه شدن ایران نداشتند، وسیله مناسبی برای دلداری بود. به طور مثال استفاده از چادر یا شرکت در مجالس روضه خوانی و از طرف بسیاری از زنان در این سالها نشاندۀ این واقعیت است.

۲ - نقش زن از دیدگاه اسلام

الف - اسلام مبدأ گرا

ب - اسلام رفرمیستی

الف - طرفداران این بخش از اسلام ادعا می کنند، که تفاوت جسمی زن و مرد باعث نیرومندی مرد و ضعف زن است و به حکم مصالح خلقت، در نتیجه «ذاتی» و «طبیعی» است. همچنین از نظر قوای مغزی و جسمانی مرد قویتر و زن ضعیفتر است. به طور کلی به قول یحیی نوری عواطف و احساس در زنان بر روح و تفکر و دوراندیشی آنها غلبه می کند. نیروی جسمانی قوی و قدرت دماغی مرد او را برای شرکت فعال و مبارزه دامنۀ داری در امور زندگی آماده می سازد. در نتیجه بایستی که مخارج و نفقات زن و فرزندان از هر جهت به عهده مرد اما نگهداری و پرورش کودکان به عهده زن است. در اصل ریشه و هدف این نوع تفکر آن است که زن تنها به عنوان مادر، آن هم مادر ناقص العقل، جلوه داده می شود و هر گونه تخطی در این زمینه او را از نقش «طبیعی» در جامعه دور می کند.

ب - اسلام رفرمیست: تفاسیرات و نوشته های علی شریعتی که یکی از مبتکران اسلام رفرمیستی محسوب می شود، رل مهمی را به عهده می گیرد. شریعتی که از طرفی تضاد زنان قشر متوسط جامعه را تا حدودی شناخته بود و نقش آنها را نیز در تغییر و تحولات جامعه مهم می دانست شروع به ساختن نوعی الگو برای این زنان کرد تا شاید از این طریق هم اسلام را نجات دهد و هم این زنان را به نوعی به مبارزه دعوت کند. به همین دلیل شریعتی در کتاب «فاطمه، فاطمه است» سعی در بررسی و تفسیر جدیدی از نقش زنان در اسلامی می کند. او از طرفی به نقش زن در غرب به عنوان «سمبل سکس» انتقاد می کند و آن را برای زنان مسلمان قابل الگوبرداری نمی داند و از طرف دیگر رل سنتی زن را در اسلام نیز مطرود می شناسد و زنان را از خرافاتی بودن بر حذر می دارد. آلترناتیو او برای زنان فاطمه (دختر محمد) است. به قول و تفسیر شریعتی فاطمه زنی است که هم دختر، مادر و همسر ایده آل است و هم زنی است که برای جامعه احساس مسئولیت می کند. البته شریعتی به پرنسپ های اسلام، مثلاً آیات قرآن در مورد زنان و تفاوت زن و مرد از لحاظ «طبیعی»، وفادار باقی می ماند.

۳ - نقش زن از دید مارکسیسم

این دیدگاه نقش زن را در رابطه با تقسیم کار و روابط اقتصادی در جامعه دیده، به «ستم دوگانه» بر زنان در جامعه سرمایه داری معتقد است. به طور کلی روابط اقتصادی به عنوان زیربنای جامعه تفسیر شده، روابط دیگر همه از این پایه نشأت می گیرد و روبنای جامعه است. در نتیجه مسئله زنان و نقش آنها در اجتماع در رابطه مستقیم با تغییر و تحولات زیربنای جامعه تفسیر می شود. مارکسیستها معتقدند که آزادی واقعی زنان فقط در جامعه بی طبقه سوسیالیستی امکان پذیر است و رسیدن به آن تنها از طریق از بین رفتن سیستم سرمایه داری امکان پذیر است و الا مبارزه زنان در چارچوب مبارزه «ایده آلیستی» محدود می گردد.

به طور کلی دلایل همکاری زنان در انقلاب ۱۳۵۷ با رژیم جمهوری اسلامی را می توان چنین خلاصه کرد:

- ۱ - دیدگاههای عقب افتاده ادیان مختلف در مورد زنان به خصوص اسلام.
- ۲ - سرکوب جنسی - اقتصادی - سیاسی - اجتماعی از طریق سیستمهای مختلف (فئودالی - سرمایه داری - سوسیالیستی).
- ۳ - بی اهمیت جلوه دادن نقش زنان و وابسته کردن آنها به مسائل زیربنایی جامعه (در سیستم مارکسیستی).
- ۴ - ریشه دار بودن سیستم چندین و چند هزار ساله مرد سالاری در خود زنان و نداشتن آلترناتیو (بحران دلایل مذهبی).

دیگر سمینارهای «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج کشور» در سال ۱۹۸۷

دومین سمینار «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج کشور» در سال ۱۹۸۷ ساعت ۱۱ صبح روز شنبه ۳۱ اکتبر در شهر فرانکفورت با شرکت و معرفی زنان از شهرهای مختلف آلمان غربی (برلین، آخن، ماربورگ، ماینز، هانا، گوتینگن) و با داشتن جهان بینی های گوناگون کار خود را آغاز کرد.

این نشست کار خود را با گزارش فعالیت یکایک زنان آغاز کرد. فعالیت آنان به جز زنان واحد برلین، محدود به گذاشتن میز کتاب در دانشگاه بوده است. زنان «جنبش مستقل زنان ایرانی در خارج از کشور» در واحد برلین توانستند با فعالیتهای مداوم خود

محقق بودن خانه ای برای زنان خارجی را در شهر برلین به اثبات برسانند و سنات برلین نیز بودجه ای در اختیار آنان می گذارد. شرکت یکی از زنان ایرانی برلین در پارلمان اروپا و مطرح کردن وضع زنان ایران و پیشنهاد طرح «به رسمیت شناختن دلایل فرار زنان به لحاظ جنسیت آنها و همچنین نوجوانان ایرانی به دلیل شرکت نکردن در جنگ برای دریافت پناهندگی سیاسی» مطرح گردید و این طرح یکی از اهداف جنبش مستقل زنان در زمینه تکمیل قانون پناهندگی است. زنان ایرانی برلین با استفاده از تجربیات فعالیتهای چندین ساله در جنبش مستقل زنان موفق به گشایش خانه ای برای زنان و دختران خارجی شده اند.

۱۸ تا ۲۰ اکتبر ۱۹۸۷ سمیناری به منظور بررسی جنگ ایران و عراق تحت عنوان «جنگ منفعت دار» در شهر برلین برگزار گردید که در این سمینار نیز زنان جنبش از جمله مسعوده درباره وضعیت زنان در ایران و عراق خصوصاً نقش آنان در جنگ شرکت و صحبت کردند. روز یکشنبه نیز سمینار با برنامه هنری از سوی زنان واحد برلین به پایان رسید.

در تاریخ ۱۳ ماه ژوئن ۱۹۸۷ در شهر کیل «هفته زنان» با شرکت و تشریح موقعیت زنان در ایران و دلایل فرار آنان و شرایط سخت زندگی آنان در آلمان از طرف یکی از زنان جنبش برگزار گردید.

شرکت فعال در برنامه ریزی و برگزاری هفته «آموزش متقابل فرهنگی» ۱۹ و ۲۰ ماه ژوئن بود. روز جمعه ۱۹ ژوئن با همکاری زنان بخش «تعلیم و تربیت در جهان سوم»، از سوی دانشگاه یوهان ولفگانگ گوته، با خواندن اشعاری از شعرای زن کشورهای مختلف (از ایران پروین اعتصامی و فروغ فرخزاد) آغاز شد و با پانتومیم توسط زنان واحد برلین به پایان رسید.

روز شنبه در ادامه برنامه معرفی جنبش مستقل زنان ایرانی، دلایل تشکیل آن، و بررسی موقعیت زنان در ایران، با حاضرین به بحث و گفتگو نشستیم. در این هفته «آموزش متقابل فرهنگی» نمایشگاه عکس از زنان ایران نیز به نمایش گذاشته شد. خانم باربارا کلم در سال ۱۹۷۹ طی سفر خود به مرکز و شمال ایران از زنان ایرانی عکسهای بسیاری گرفته که با سخاوتمندی فراوان آنها را در اختیار ما گذاشتند و بدین وسیله عده کثیری از نزدیک با زندگی و چهره زن ایرانی آشنا شدند.

با روی کار آمدن حزب سوسیال مسیحی در ایالت هسن امکان قطع بودجه پروژه های مستقل زنان روز به روز قوت بیشتری می گیرد از این رو یک گردهمایی در تاریخ ۱۹ سپتامبر برگزار گردید و از زنان سیاستمدار احزاب مختلف، به ویژه خانم گشکا نماینده

حزب سوسیال مسیحی در ایالت هسن، دعوت شد که متأسفانه خانم گشکا از شرکت در این گردهمایی خودداری کرد و امکان بحثی غنی را از کلیه زنان شرکت کننده گرفت. از طرف جنبش نیز در رابطه با موقعیت متزلزل زنان و دختران خارجی در آلمان مقاله ای خواند شد. ۴۰ پروژه مستقل زنان با نوشتن تاریخچه خود و امکاناتی که در اختیار زنان می گذارد در کتابی جمع آوری شده است که راهگشای بسیار خوبی برای زنان است.

از ۳ تا ۱۱ اکتبر ۱۹۸۷ در شهر اینگل هایم هفته پناهندگان برگزار شد. در روز ۷ اکتبر در مورد علل، چگونگی و عواقب جنگ نامقدس ایران و عراق از طرف جنبش زنان مقاله ای خوانده شد و با بحث و گفتگو این نشست خاتمه یافت.

روز ۱۰ نوامبر ۱۹۸۷ از سوی سندیکای کارگری شبی در مورد پناهندگان تحت عنوان «انسانها در غربت از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۸۷» برگزار گردید. خانمی ایرانی از جنبش مستقل زنان دلایل و شرایط فرار خود را به آلمان و همچنین تجارب تلخ خود را در غربت بازگو کرد.

از ۱۹ تا ۲۲ نوامبر نیز سمیناری تحت نام «زنان پناهنده» در شهر بیلفلد برگزار گردید. ما نیز در برنامه ریزی و به ویژه در تشریح موقعیت زنان در ایران پیش از انقلاب و نقش آنان در انقلاب، قوانین اسلامی علیه زنان و علل فرار آنان از ایران سهم بسزائی داشتیم. نمایش فیلم «لغت تلخ غربت» زمینه موثری برای شناخت و بحث در مورد «زن ایرانی» بود. در این سمینار تصمیم گرفته شد که یک «گروه هماهنگ کننده» از زنان شرکت کننده تشکیل شود و پیشنهاد طرح «به رسمیت شناختن دلایل فرار زنان تنها به لحاظ جنسیت آنها» برای دریافت پناهندگی سیاسی در کشورهای اروپایی را به برگزارکنندگان کنفرانس پناهندگان که در ماه مارس ۱۹۸۸ در شهر بوخوم برگزار خواهد شد ارائه دهند. در ضمن ضرورت همکاری هر چه بیشتر گروههای مدافع حقوق پناهندگان به ویژه در رابطه با زنان تاکید شد.

در این زمینه چگونه می توان وضعیت حساس زنان پناهنده را و خطراتی که آنها را تهدید می کند برای افکار عمومی روشن کرد؟ وضع و خیم پناهندگان در آلمان و گسترش دامنه محدودیتها و سیاست ضد خارجی و برپا کردن دشمن خیالی «پناهندگان» برای مردم آلمان را نباید با سکوت پاسخ گفت.

شنبه های آخر هر ماه نیز جلسات کتابخوانی و نمایش فیلم در خانه زنان برگزار می شود. سمینار ساعت ۲ بعد از ظهر با خواندن ترجمه مقاله ای از کتاب «ما دختر متولد نمی شویم بلکه به آن تبدیل می شویم» از اوزولا شوی به کار خود ادامه داد.

این به چه معنایی است؟

بدین معنی که بچه ها از اول در دل جنسی به خصوصی قرار داده می شوند و بدین ترتیب تربیت می شوند که ما امروز آنها «زنانه» یا «مردانه» می نامیم. در دوران قبل از تولد این تربیت مشخص شروع می شود و استعدادها و تواناییهای هر دو جنس را مثله می کند. در این کتاب در وهله اول به تربیت دختران پرداخته می شود.

دختر بچه ها زودتر از شیر گرفته می شوند و مادر نا آگاهانه آتوریت و استقلال پسر بچه ها را می پذیرد. مادر برای پذیرش تمایلات دخترش کمتر آمادگی نشان می دهد. سعی بر این است که دختران و پسران خوب تربیت بشوند، هیچ چیز برای آنها بدتر از یک پسر با حرکات زنانه نیست زیرا معیار ما در اجتماعی رفتار مردانه است و نقش زنان نسبت به آن سنجیده می شود. رفتار زنانه داشتن نه تنها رفتار دیگری است که دارای ارزشی مساوی با رفتار مردانه نیست، بلکه رفتار زنانه یعنی زیر دست بودن، غیر فعال بودن در خارج از خانه و خانواده، احساساتی، عشوه ای، ترسو و واضح است که در اولین سالهای زندگی دختران تمام تواناییهای زنانه تقویت می شود. پذیرفتن این رلهها فقط می تواند تحمیلی باشد. زنانه تربیت شدن اتفاقی نیست بلکه در خدمت سیستم مشخص و دیکته شده ای است و ادعای طبیعی بودن رفتار زنانه و مردانه را مورد سؤال قرار می دهیم و در بررسی این مقوله می باید تا گهواره به عقب برگردیم تا بتوان خصلت ذاتی و خصلت تربیتی را تجزیه و تحلیل کرد.

سپس خواندن قسمتهایی از کتاب «کوچه جوادی» از مانی شیرازی که بازتاب گویایی از روش تربیتی دختران در ایران است امکان مقایسه را آسانتر ساخت. این کتاب نمونه بسیار جالبی برای شناخت تربیت دختران و پسران در ایران است و تصویر گویایی از روش تربیتی که ابعاد و یژه خود را دارد به خواننده می دهد. انتظارات سنتی و اسلامی از دختران و زنان ایرانی را از تراوشات فکری پدر، ملا، محیط اطراف، و نقش غیر فعال زنان را در تمام زمینه ها با زبانی ساده بیان می کند.

به طور کلی بحث در این سمینار حاوی سه بخش بود:

۱- کسانی که بررسی مقوله تربیتی را با در نظر گرفتن تئوریهای مختلف ضروری می دانند.

۲- کسانی که به تحقیقات تجربی اهمیت بیشتری می دادند.

۳- کسانی که هر دو نظریه را مکمل هم می دانستند و به روش تجربی انتقاد داشتند زیرا بر این عقیده اند که اکثر تحقیقات در کشورهای صنعتی انجام گرفته است و هر جامعه ای نرمهای خاص خود را دارد و الگو برداری را اشتباه می دانند.

به نظر بعضی از محققین تأثیر روابط اجتماعی در طی قرنهای متوالی و عمیق بودن سیستم

مرد سالاری سبب ذاتی شدن خصوصیات زنانه و مردانه می گردد.

در اینجا نرمهای اجتماعی که اجباراً به دختران تحمیل می شود و در سرنوشت دختران اهمیت شایانی دارد به طور خلاصه بازگویی شود:

در بند نگاه داشتن دختران با لغاتی از این چنین: عقیف، پاکدامن، سربه زیر، محجوب، خجالتی، تمیز، خانه دار، مادر فداکار، مطیع، وفادار و طرد آنان با کوچکترین سرپیچی از فرامین دیکته شده.

جلوگیری از بازیهای کودکان برای حفظ پرده بکارت و مهمتر از آن حفظ آبرو و حیثیت خانواده و خویشاوندان.

زنان همواره آرزوی پسر داشتن را دارند زیرا دختر از طرف هر دو فامیل به رسمیت شناخته نمی شود و زنان در طول عمر خود همیشه این آرزو را دارند که ای کاش پسر بودند. و یا بیان چنین آرزوهایی: ای کاش خدا به جای دختر به من پسر می داد! ای کاش دختر بزرگم پسر بود، دیگه هیچ غمی نداشتم!

مسلم است که این روابط را نمی شود بدون در نظر گرفتن نرمهای اجتماعی، فرهنگی مذهبی، سنتی و اقتصادی بررسی کرد.

یکی از زنان شرکت کننده اظهار داشت که خانواده و اطرافیان همیشه به او می گفتند که تو آنقدر پاک و سربزیری که اگر میان یک فوج سرباز بروی سالم برمی گردی! و از آنجایی که دختران از روابط جنسی و طبیعی بودن آن بی اطلاع هستند و همینطور از بیم خانواده و اجتماع پاک بودن را ترجیح می دهند.

موضوع مهم دیگری که مورد بحث قرار گرفت این بود: زنانی که سعی کرده اند تفاوت تربیتی بین دختر و پسر را برای خودشان حل کنند و فرقی بین تربیت دختر و پسر قائل نشوند (به طور مثال در انتخاب اسباب بازی، لباس و یا همکاری تمام افراد خانواده در انجام کارخانه)، اما زمانی که بچه از محیط خانواده با محیط گسترده تری از جمله کودکستان، مدرسه و برو می شود دچار تردید و دوگانگی می گردند.

تاثیر رفتار پدران، برادران و مردان فامیل بر آنها به دلیل آرزوی وارد شدن به جمع مردان بر پسران بسیار محسوس است. پسوانی که تنها به وسیله مادر بزرگ می شوند و مادر خود را مظهر قدرت می دانند نیز دچار دوگانگی می شوند زیرا جامعه زنان را انسانهایی ناقص و ضعیف می داند.

موضوع مهم دیگری که مطرح گردید این بود که: زنانی که بعد از جدایی مسئولیت فرزندان خود را به عهده می گیرند و با کار و زحمت زیاد برای گرفتن حقوق خود مبارزه می کنند، گاهی با تاثیر منفی فعال بودن خود بر دختر یا دخترانشان مواجه می شوند و این

نوع دختران از استقلال وهم دارند زیرا مشکلات مادر خود را برای کسب حقوق حقه خود لمس می کنند و برای فرار از آزادی، آرزوی ازدواج با آقا بالاسر ثروتمندی را در سر می پروراند.

نظراتی که به طور کلی از طرف زنان شرکت کننده برای بهبود وضع زنان در خانواده و جامعه مطرح شد از این قرار بود:

۱ - استقلال مالی

۲ - مبارزه برای از بین بردن فقر فرهنگی، سیاسی و اقتصادی

۳ - زنان باید برای تغییر دادن نرمهای حاکم بر جامعه از خودشان شروع بکنند و در این پروسه تجربیات زنان دیگر حائز اهمیت است و همچنین آشنائی با جنبش زنان اروپایی و کشورهای دیگر.

سمینار روزیکشنبه ساعت ۴ بعد از ظهر به کار خود خاتمه داد.

سمینار بعدی در سال ۱۹۸۸ برگزار می شود و موضوع آن نیز از جانب زنان شرکت کننده تعیین شده و ترجمه کتابی به نام **قلب مردان** که در آن به روابط زن و شوهر می پردازد می باشد.

پوران - فرزانه

مشترکین عزیز نیمه دیگر،

لطفاً تغییر نشانی خود را به ما اطلاع دهید تا در دریافت نشریه تان وقفه ای رخ ندهد.

- 
- چشم انداز یک فرهنگ سیاسی
 - کارنامه ی چپ
 - دیروز، امروز، فردا
 - آیا مارکسیسم دچار بحران است؟
 - درسوگ هواداری
 - گفتگویی با دورفین
 - گزارش از کنفرانس میوتات
 - مانیفست تجددخواهان ادبی
 - انسانی در جستجوی خود
 - معرفی و نقد کتاب

KANKASH
P.O. Box 11732
Alexandria, VA. 22312

دفتر ۱، تابان ۱۳۶۶

کنکاش

درگستره تاریخ و سیاست

نیمه دیگر

nimeye-digar

از میان آنچه برای ما رسیده:

در فاصله بین شماره ۵ و ۶ نیمه دیگر کتابها و جزوات و نشریات زیر برای ما رسیده است. از همه کسانی که این نشریات و کتب را فرستاده اند ممنونیم و امیدواریم در آینده نیز مورد محبت نویسندگان و ناشرین قرار بگیریم. چاپ لیست نشریات رسیده به این معنا نیست که بعدها برخی از این کتابها و جزوات در بخش معرفی و نقد کتاب نخواهد آمد.

جراید دریافتی

۱ — ایران آزاد (نشریه جبهه ملی ایران در اروپا)

۲ — پر (ماهنامه)

۳ — خبرنامه بخش زنان کانون ایرانیان لندن

کتب و جزوات دریافتی

۱ — اندیشه آزاد (شماره ۵)

Andisheh-e Azad
Box 50047
10405 Stockholm
Sweden

۲ — پیام آشنا (شماره های ۱ و ۲ و ۳)
(کمیته بانوان کانون ایرانیان کوبک)

L' Association Des Iraniens de Quebec
35-19 Jeanne-Mance
Montreal Quebec H2X 2K2
Canada.

۳ — خبرنامه زنان (شماره های ۱۱ و ۱۲ و ۱۶)

I.W.A.
P.O. Box 25 A 72
L.A. CA 90025-0A72
U.S.A

۴ — دفترهای هنر و ادبیات (شماره های ۱۶ و ۱۷)

Daftarhaye Honar va Adabiyyat
P.B 50120
10405 Stockholm
Sweden.

۵ — زن، آتش زیر خاکستر

جزوه ای راجع به موقعیت زن در ایران

Ezzat G.
1130 Oakcrest St # 2
Iowa City
IA 52240
U.S.A.

۶ — سرزمین همیشه بهار
(کتاب بچه ها)

Asgari (Mani)
Postfach 250109
4630 Bochum 1
W. Germany.

Ghalam
Post lagerkarte
Nr: 02922 7/C
1000 Berlin 12
W. Germany.

۷ — قلم (شماره ۱۵)
(نشریه فرهنگی)

۸ — کاوشگر

نشریه گروهی از دانشگاهیان سابق ایران

Kaavoshgar
I.U
P.O. Box 3016
New York N.y 10027
U.S.A.

۹ — مهاجرت در آفتاب

(شعر)

Ezzat G.
1130 Oakcrest St # 2
Iowa City
I.A. 52240
U.S.A.

۱۰ — یلوپیج دل آرش

کتاب سال ایرانیان — نوروز ۱۳۶۶

Visual Connection
6048 Glen Carlyn Drive
Falls Church, VA 22041
U.S.A.

۱۱ — زن و قشریون اسلامی

Nayerreh Tohidi
Women's Studies Program
The University of Iowa
305 English-Philosophy Building
Iowa City, Iowa 52242

۱۲ — زن و خانواده

هسته تئوریک زنان — پاریس

Mlle Baudoin
6 Place due 11 Novembre
92300 Lavallois
France.

۱۳ — جزوات کانون ایرانیان لندن

الف — زنان و ایدز

ب — چه مطالبی را باید والدین در مورد مواد مخدر بدانند

ج — هشت روش مطمئن جلوگیری از بارداری

د — راهنمای معاینه سینه ها

جزوات فوق توسط بخش زنان کانون ایرانیان لندن ترجمه شده است و در اختیار زنان قرار می گیرد.

Women's Section
Iranian Community Centre
465A Green Lanes
London N4 1HE

۱۴ — نظم نوین (دفتر هشتم)

Nazme-Novin
P.O. Box 332
New York, NY 10024
U.S.A.

۱۵ — آوای وحش یا ماخلوبای مهتری
دکتر علی اصغر حاج سید جوادى

۱۶ — روشنائی

مطلب اول، آبان ۶۶

مطلب دوم، دی ۶۶

Rowshanai
P.O. Box 62
New York
NY 10185

۱۷ — آوند

نشریه انجمن هنرمندان و نویسندگان ایرانی در بریتانیا

Avand
12 Belsize Terrace
London NW3 4AX
Tel: 794 4694

نیمه دیگر

nimeye~digar

تقاضای «نیمه دیگر» از کلیه نویسندگان و مترجمین

لطفاً در تهیه و ترجمه مقالات نکات زیر رعایت شود:

- ۱ - مقالات فقط یک روی کاغذ نوشته شود.
- ۲ - از هر چهار طرف (بالا، پایین، چپ و راست) لا اقل ۴ سانتیمتر حاشیه گذاشته شود.
- ۳ - مقالات دست خط دو خط در میان (۳ سانتیمتر فاصله) نوشته شود. و مقالات تایپ شده یک خط در میان (۲ سانتیمتر فاصله) تایپ شود.
- ۴ - اطلاعات کامل در مورد منابع نقل شده (عنوان کتاب، نام نویسنده، محل چاپ، ناشر، تاریخ چاپ، صفحه نقل قول) گنجانده شود. یادداشتها و منابع همگی در آخر مقاله بیاید.
- ۵ - لطفاً در نسخه های دست خط از خط شکسته استفاده نشود.

نیمه دیگر

nimeye~digar

هدیه نیمه دیگر

اشتراک چهار شماره نیمه دیگر را به دوستان، آشنایان و یا افراد فامیل خود هدیه دهید. در صورت تمایل فرم اشتراک ضمیمه را از جانب گیرنده هدیه پر کرده و به همراه حق اشتراک ۱۰ پوند و یا ۱۸ دلار برای ما بفرستید. شخص مورد نظر شما در اسرع وقت شماره های موجود نیمه دیگر را به همراه کارت هدیه نیمه دیگر که توسط یک زن ایرانی طراحی شده است، دریافت خواهد نمود. شماره های بعدی نیمه دیگر به محض انتشار برای ایشان فرستاده خواهد شد.

فرم اشتراک

تاریخ پر کردن فرم اشتراک:
لطفاً نام و نشانی خود را با حروف بزرگ و خوانا بنویسید.

• مایلم با قبول اشتراک ۴ شماره فصل نامه نیمه دیگر به انتشار آن یاری کنم.

• اشتراک مرا از شماره شروع کنید.

• چک یا حواله بانکی بهای اشتراک به نام Nimeye Digar ضمیمه است.

• مبلغ علاوه بر بهای اشتراک برای کمک به نشریه ضمیمه است.

لطفاً به نکات زیر توجه نمایید.

• شماره هایی که تا کنون انتشار یافته اند: ۱، ۲، ۳/۴ (شماره مشترک)، ۵، ۶.

• شماره هایی که تمام شده اند: ۲

• بهای اشتراک ۴ شماره (پست هوایی):

امریکا و کانادا: فردی ۱۸ دلار - موسسات ۳۶ دلار امریکا.

اروپا و سایر کشورها: فردی ۱۰ پوند - موسسات ۲۰ پوند.

• چک اشتراک برای امریکا و کانادا را به آدرس نیمه دیگر در

امریکا، و چک اشتراک برای سایر کشورها را به آدرس یا حساب

بانکی نیمه دیگر در بریتانیا ارسال دارید.

• برای اشتراک از طریق بریتانیا، حواله یا چک بانکی قابل پرداخت از طرف یک

بانک داخل بریتانیا برای ما بفرستید. چک های بانک های خارج از این کشور

هزینه واریز سنگینی به همراه دارند.

• نشانی پستی نیمه دیگر در امریکا

Nimeye Digar
P.O. Box 1468
Cambridge, MA 02238,
U.S.A.

• نشانی پستی نیمه دیگر در بریتانیا

BM NASIM
LONDON WC1N 3XX
U.K.

• حساب بانکی نیمه دیگر در بریتانیا

Account Name: Nimeye Digar
Account No: 50693294
Barclay Bank Plc
Haringay Branch
London N4 1EB, U.K.

* Nimeye Digar in U.S.A.
P.O. Box 1468
Cambridge, MA 02238,
U.S.A.

* Nimeye Digar in Britain
BM NASIM
LONDON WC1N 3XX
U.K.

* Bank account in Britain
Account Name: Nimeye Digar
Account No: 50693294
Barclay Bank Plc.
Haringay Brach,
London N4 1EB; U.K.



Subscription Form

Date:

Name & Address:

(Please tick where applicable)

- * I wish to subscribe to four issues of Nimeye Digar.
- * My subscription to start from issue No.
- * I'm enclosing cheque / Money Order payable to Nimeye Digar.
- * I wish to make a further donation of to Nimeye Digar.

Please Note:

- * Issues published so far : 1, 2, 3/4 (Double issue), 5/6.
- * Issues that are out of print at the moment : 2
- * Subscription fee for four issues (Air Mail):
Canada & U.S.A. : Individual \$18.00 - Institution \$36.00 . Europe & other countries: Individual £10.00 - Institution £20.00.
- * Payments from U.S.A. & Canada should be sent to Nimeye Digar's U.S.A. address, and those from other countries, should go to Nimeye Digar's bank account/address in Britain.
- * Payments to Britain should be made through a British bank to avoid high bank charges.

nimeye~digar

Persian Language Feminist Journal

No. 6, Winter 1988

In This Issue:

R. Rodan : *Zahirabad Brothel in Bandar Abbas.*

P. Shakibai : *The Role and Image of Women in Ferdowsi's
Shahnameh.*

Interview with Farzaneh Tayidi

Short stories, poems, reviews, archive, chronology, news and
reports of Iranian Women's activities abroad.

Price: £3.00 / \$5.00

Subscription rates for four issues:

Individual: Europe, £10.00, all other places (airmail), \$18.00
(Surface mail rates are the same as those for Europe.)

Cheques should be made to **Nimeye Digar.**

addresses are provided inside the front cover

نشریه زنان

